

بررسی مجدد رابطه دین و جرم

اثرات دین، کنترل‌های غیر دینی و محیط اجتماعی

بر بزهکاری بزرگسالان^۱

تی. دیوید ایوانز و دیگران / مترجم: علی سلیمی

عضو هیئت علمی پژوهشکده حوزه و دانشگاه

چکیده

از آن زمان که تحقیق هیرشی و استارک به شکلی شگفت‌انگیز از یافتن اثرات دین (یعنی، ترس از «آتش دوزخ») بر پدیده بزهکاری ناکام ماند، تحقیقات بعدی از رابطه‌ای معکوس میان دینداری و اشکال مختلف کجروی، بزهکاری و جرم پرده برداشتند، اما پیچیدگی این ارتباط و شرایط تحقق اثرات دین همچنان مورد بحث بوده و هست. البته در این میان تعداد اندکی از محققان به این نتیجه رسیده‌اند که تأثیر دین، تصادفی نیست، اما در عین حال، بسیاری نیز به شواهدی - به ویژه در میان جوانان - دست یافته‌اند که نشان دهنده اثراتی است که بر حسب فرقه‌های دینی، نوع جرم و همچنین بافت

۱. نوشتار حاضر، ترجمه گزارش یک بررسی پیمایشی است که تحت عنوان «Crime and Religion Re-examined: The Impact of Religion, Secular Controls, and Social Ecology on Adult Criminality» در صفحات ۱۹۵-۲۱۲ از شماره ۲-۳۳ (مه ۱۹۹۵) نشریه *Criminology* انجمن جرم‌شناسان آمریکا به چاپ رسیده است؛ محققان این تحقیق و نویسندگان این گزارش نیز، عبارتند از آقایان: T. David Evans، استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه کارولینای شمالی - ویلمینگتون، Francis T. Cullen، استاد پژوهش بخش تشکیلات کیفری دانشگاه سین سیناتی، R. Gregory Dunaway، استادیار رشته جامعه‌شناسی دانشگاه ایالتی می سی سی پی و Velmer S. Burton, Jr.، استادیار علوم سیاسی دانشگاه ایالتی واشنگتن. در اینجا، مترجم مراتب سپاس و تقدیر ویژه خود را از توجهات دو استاد گرانقدر خویش، آقایان دکتر سید حسین سراج‌زاده و دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، که راهنمایی‌های آنان سرلوحه کار او در رفع نقایص این ترجمه بوده است، ابراز می‌دارد.

اجتماعی و دینی، شکلی متفاوت به خود می‌گیرند. نتایج تحقیقاتی نیز که در همین اواخر انجام گرفته‌اند، این ارتباط را در موارد به کار گرفته شدن متغیرهای مربوط به کنترل‌های غیر دینی، ارتباطی کاذب معرفی می‌کنند. بدین ترتیب، این تحقیق بر آن است تا با آزمون کردن ارتباط میان دین و جرم، در الگوهایی که مقیاسهایی جامع را در زمینه اندازه‌گیری جرم و نیز سه بعد متفاوت و مجزای دینداری دربردارد، به مسائل مزبور بپردازد و در عین حال، کنترل‌هایی را نیز برای تمیز اثرات قید و بندهای غیر دینی، شبکه‌های دینی و اثرات محیط اجتماعی به کار بگیرد. نتیجه تحقیق نیز آن بوده است که از میان سنجش‌های بررسی شده دینداری، مشارکت در فعالیت‌های دینی بازدارنده‌های پایدار و غیرتصادفی در مورد جرائم ارتكابی بزرگسالان است.

هیرشی و استارک در مطالعه برجسته خود، یعنی تحقیق «آتش دوزخ و بزهکاری»^۱، به نتیجه‌ای خلاف انتظار رسیدند و آن اینکه افرادی که غالباً در کلیسا حضور می‌یابند و همچنین «دانش آموزانی که به وجود شیطان و حیات پس از مرگ ایمان دارند، به همان نسبت مستعد ارتكاب بزهند که دانش آموزان فاقد ایمان به جهان ماورای طبیعت». البته تحقیق آن دو، اولین تحقیقی نبود که پیوند ترس از «آتش دوزخ» و بزهکاری را مورد تردید قرار می‌داد^۲، اما یافته‌های تجربی آن، یافته‌هایی بحث‌انگیز بود و سلسله تحقیقاتی را موجب شد که تا به امروز ادامه دارد.

برخلاف یافته‌های هیرشی و استارک، تحقیقات بعدی نشان دهنده آن بود که دین بر اشکال گوناگون کجروی، که شامل جرم نیز می‌شود، به نوعی تأثیر می‌گذارد^۳. با وجود این، تشخیص دقیق اثرات دین بر جرم، کاری پیچیده است و به ادعای برخی محققان، صرفاً در اوضاع و احوال خاصی ممکن می‌شود. به عنوان نمونه، گرازمیک و دیگران، در این خصوص متذکر شده‌اند که:

«جامعه‌شناسان، به این نتیجه رسیده‌اند که دست کم برخی ابعاد دین را می‌توان دارای نقشی بازدارنده در خصوص، لاقلاً، برخی از انواع رفتارهای غیرقانونی به حساب آورد! آنان همچنین بر آنند که دین نیز این نقش بازدارندگی را، دست کم در برخی اوضاع و احوال، ایفا خواهد کرد»^۴.

مطالعه حاضر با این هدف طراحی شده است که یافته‌هایش برای حل مناقشات گوناگون در این زمینه و همچنین موضوعاتی به کار گرفته شود که کمتر مورد بحث و

بررسی بوده است و این مهم نیز با تکیه بر تحقیقات موجود و همچنین به کارگیری یک بررسی پیمایشی مبتنی بر جرائم خود گزارشی بزرگسالان انجام پذیرفته است. در جهت نیل به هدف مورد نظر مسائل زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

۱- گستره بازدارندگی دین از جرائم بزرگسالان، به شکلی مستقل یا در ترکیب با دیگر عوامل؛

۲- گستره‌ای که بافتهای اجتماعی و دینی، اثرات دینداری^۱ شخصی را تعدیل می‌کند؛ و

۳- فراگیر بودن تأثیر دین بر انواع جرائم یا اختصاص اثرات آن به جرائمی که در واقع به معنای نقض حدود زهد و تقوا در دین^۲ است.

در هر حال، به نظر می‌رسد که یافته‌های این تحقیق برای پرداختن به مسائل فوق کاملاً مناسب است؛ نخست به این دلیل که این مطالعه در مقایسه با غالب تحقیقات قبلی، سنجه‌های جامعی را در زمینه اندازه‌گیری دین - در دو سطح فردی و گروهی - و نیز دامنه گسترده‌ای از جرائم بزرگسالان را در خود گنجانده است؛ دوم اینکه متغیرهای به کار رفته در تحقیقات پیشین را نیز برای تشخیص دقیقتر رابطه دین و جرم دربردارد و بدین ترتیب، مجال ساختن الگوهایی را فراهم آورده است که بر اساس آن، حتی در مواردی که متغیرهایی برای کنترل اثرات سایر عوامل متعدد و موجود در این بستر وجود داشته باشد، می‌توان درباره اثرات بازدارنده دینداری و بافتهای دینی از درگیر شدن افراد در جرم، اظهار نظر کرد.

اتفاقها و اختلاف نظرها

تحقیقات انجام شده نشان‌دهنده اتفاق نظر صاحب‌نظران بر وجود رابطه‌ای معکوس، از ضعیف گرفته تا متوسط، بین دینداری و بزهکاری - به ویژه در جرائم ضد زهد^۳ نوجوانان - است. با وجود این، همچنان موارد اختلاف متعدد و عمده‌ای وجود دارد. البته، از زمان تحقیق «آتش دوزخ» هیرشی و استارک تاکنون تحقیقات انجام شده با به آزمون کشیدن موضوعاتی از قبیل اثرات مستقل دین بر جرم یا بزهکاری عمومی،

1. religiosity.

2. religious ascetic standards.

3. ascetic offences.

گوناگونی این آثار بر حسب نوع جرائم و همچنین وابستگیهای فرقه‌ای^۱، و افزون بر این، مشروط بودن اثرات مستقیم بافتهای فراگیر اجتماعی و دینی، پیشرفتهایی در این حوزه داشته‌اند.

تنوع ناشی از انواع جرم: مشخصه نقض زهد^۲

عجز تحقیقات پیشین از کشف اثرات دائمی و قوی دین بر بزهکاری عمومی سبب شده بود که تلاشهای آنان صرفاً در جهت کشف اثراتی محدود یا مشروط از دین صورت بگیرد. به عنوان نمونه، تحقیق بارکت و وایت^۵، که تکراری از تحقیق هیرشی و استارک است، نشان از آثار فوق‌العاده قوی دین در زمینه بازدارندگی از «جرائم بدون قربانی» داشت، اما در عین حال، جرائم مورد بحث، نقض سنتهای «زاهدانه» دینی نیز به شمار می‌آمد^۶. نتایج بسیاری از مطالعات بعدی نیز، از وجود شواهدی مشابه به نفع نظریه‌ای حکایت داشت که اثر بازدارندگی دین را به این قبیل کجرویها، به ویژه افراط نوجوانان در مصرف الكل و مواد مخدر، منحصر می‌دانست^۷ و این وضعیت سبب می‌شد که این یافته‌ها، اغلب شاهدی بر قابل مشاهده بودن اثرات دین بر صرف رفتارهایی به حساب آید که منحصرأ در درون یک بافت دینی منع می‌شوند.

البته، مشخصه نقض زهد را با شیوه‌های مختلف و متعددی آزموده‌اند. به عنوان مثال، بارکت و وایت در تحقیق خود، به تبع میدلتون و پوتنی^۸، اظهار می‌دارند که اثرات خاص دین بر جرائم ناقض زهد را می‌توان با به کار گرفتن متغیرهایی برای کنترل اثرات قید و بندهای ناشی از نهادهای غیر دینی یا منحصر ساختن تحقیق به بررسی اثر دین بر جرائمی دریافت که گفته می‌شود، فقط ناقض زهدند. البته، این دو محقق خود رویکرد دوم را برگزیده و وجود چنین اثراتی را نیز در خصوص جرائم ناقض زهد نشان داده‌اند، اما مورد بررسی قرار نگرفتن دامنه وسیعی از جرائم - اعم از جرائم مزبور و همچنین جرائم غیر دینی - در تحقیق آنان، هرگونه ادعا را درباره معتبر بودن یافته‌هایی این چنین انحصاری و محدود بی‌ارزش خواهد ساخت.

به عنوان نمونه، کوکران نیز در مقاله خود، این تحقیقات را به ارتکاب «اشتباه معنا

1. denominational affiliation.

2. antiascetic specification.

شناختی^۱» متهم می‌سازد و آنان را اینگونه مورد انتقاد قرار می‌دهد:

«دنبالروان تحقیق میدلتون و پوتنی، از جمله بارکت و وایت، نتوانسته‌اند جرائم ناقض زهد را، به شکلی آشکار، از جرائم بدون قربانی تمیز دهند»^۹.

با وجود این، نه خود کوکران و نه حتی محققان پس از او، که بعدها به بررسی رابطه دین و جرائم ناقض زهد پرداخته‌اند، هیچ یک نتوانستند مفهوم جرم ناقض زهد را، از لحاظ تجربی، به شکلی پایه‌ریزی کنند و اعتبار بخشند که بتوان آن را به وضوح، به عنوان گونه‌ای خاص و متمایز از جرائم، مشخص ساخت. اما در تحقیق حاضر، پاسخ‌دهندگان از درگیر بودن خویش در دامنه وسیعی از جرائم خبر داده‌اند، طیفی که هر دو نوع جرائم مورد بحث را، اعم از جرائمی که ناقض زهد نامیده شده، و همچنین جرائم غیر دینی، دربرمی‌گیرد.

تنوع ناشی از فرقه‌های دینی: پیامهای تحریمی^۲ فرقه‌ها

در پی تحقیقاتی که در باب تنوع اثرات ناشی از نوع جرم صورت گرفت، محققان توجه خود را به پیامدهای عضویت افراد در گروه‌های محافظه‌کار دینی معطوف ساختند و این نیز به این دلیل بود که به نظر می‌رسید این فرقه‌ها احتمالاً پیامهای اخلاقی تحریم‌کننده‌ای را نشر می‌دهند که ارزشهای اخلاقی بازدارنده جرم را به ذهن اعضا القا می‌کند. در هر حال، یافته‌های ناظر به این الگوی پیام اخلاقی، بسیار متناقض است. به عنوان نمونه، پاره‌ای از محققان به این نتیجه رسیده‌اند که فرقه‌ها «اثری دارند»^۳،^{۱۰} اما دیگران شواهد چندانی را در تأیید این یافته پیدا نکرده‌اند.^{۱۱} با وجود این، از آنجا که داده‌های تحقیق حاضر، اندازه‌گیری اثرات مربوط به وابستگیهای فرقه‌ای را نیز در بردارد، می‌توان مدعی شد که امکان آزمون این نوع اثرات مستقیم دین بر بزهکاری، که در سطح گروهی قرار دارد، در آن فراهم بوده است.

تنوع ناشی از بافتهای دینی و اجتماعی: اجتماعات اخلاقی

الگوی «اجتماعات اخلاقی» بیانگر آن است که از میان عواملی مانند دینداری شخصی، نوع جرم (اعم از ناقض زهد یا غیر دینی) و حتی وابستگیهای دینی، هیچ یک به اندازه

1. semantic error.

2. proscriptive.

3. "make a difference".

دینداری مطرح در سطح اجتماع^۱ اهمیت ندارند. در این زمینه، به عنوان نمونه، استارک و دستیارانش (در دو تحقیق خود^۲) مدعی شده‌اند که ناکام ماندن هیرشی و استارک از یافتن تأثیر عامل «ترس از آتش دوزخ» در خصوص بازدارندگی از بزهکاری - که در تقابل با «فهم عرفی^۳» و همچنین غالب تحقیقات پیش از خود نیز بود - ناشی از تفاوت‌های موجود در فضای اخلاقی مناطقی بوده است که نمونه‌ها از آنجا انتخاب شده‌اند^۴. آنها همچنین اظهار داشته‌اند که:

«دین صرفاً در صورتی انسانها را به نظم اخلاقی ملزم می‌سازد که اثرات آن، فرهنگ جامعه و کنشهای متقابل اجتماعی افراد مورد نظر را تحت تأثیر قرار داده باشد^۴».

بدین ترتیب، آنان مدعی‌اند که در اجتماعاتی که مشخصه آن وجود سطوح نازلی از دینداری است، نمی‌توان متوقع تأثیر قوی دین بر اشخاص بود.

در مقابل، نتایج تحقیق تایتل و ولج^۵ حاکی از آن است که - دست کم در خصوص بزرگسالان - دینداری شخصی، بارزترین تأثیر را در آن دسته از اجتماعات غیردینی دارد که دچار بی‌سازمانی اجتماعی و ناهمخوانیهای عام‌هنجاری‌اند و این تأثیر در اجتماعات دینی برخوردار از همبستگی اجتماعی، کمترین میزان را نشان می‌دهد. آنان همچنین دریافتند که در اجتماعات سازمان یافته، اخلاق شخصی دینی بی‌ثمر به نظر می‌رسد، زیرا در آنها سایر منابع مرجعیت اخلاقی و کنترل اجتماعی در حد کافی و وافی وجود دارد.

البته باید دانست که کشف این اثرات کلی، و البته مشروط، در تقابلی آشکار با مشخصه محدود زهد است، که ذکر آن گذشت. در این خصوص نیز، به عنوان نمونه، می‌توان دید که استارک نومیدی خویش را، در نخستین تحقیق خود در باب رابطه دین با جرم و بزهکاری، اینگونه ابراز داشته است:

«تقریباً تنها اثر دینی‌ای که توانستم بیابم، همبستگی‌ای بود که بین دینداری سنتی^۳ و مخالفت با نوشیدن شراب و رقص و قمار [یعنی جرائم ناقض زهد]^۴ در میان پروتستانهای آمریکایی مشاهده می‌شد. از آن پس، هرگاه در جستجوی اثرات دین بر رفتارها یا نگرشهایی بر آمدم که فی‌نفسه دینی نبودند، به کمتر چیزی دست یافتم یا اصلاً



1. community-level. 2. commonsense. 3. orthodoxy.

۴. نکات ذکر شده درون قلاب در این نوشتار، از صاحبان اصلی مقاله است (م).

چیزی نیافتم^{۱۶}».

دیگر مسائل

صرف‌نظر از مسائلی که در خصوص مشخصه‌های عمده فوق مطرح شد، سه مسئله نسبتاً حل نشده دیگر نیز وجود دارد که کمتر مورد بررسی قرار گرفته است و می‌توان آن را به شرح زیر بر شمرد:

- ۱- احتمال متفاوت بودن اثرات دین در خصوص بزرگسالان و جوانان؛
- ۲- نسبی بودن تأثیر دین به عنوان یک بازدارنده از جرم؛ و
- ۳- تعریف عملیاتی جرم و دین.

نمونه‌های نوجوان در برابر نمونه‌های بزرگسال

اکثریت قابل توجه تحقیقات انجام شده با نمونه‌های نوجوان سروکار داشته‌اند. بدین ترتیب، این تردید بی‌وجه نخواهد بود که ارتباط کشف شده در خصوص این نمونه‌ها ممکن است با ارتباط موجود در قشر بزرگسالان یکسان نباشد. در این زمینه، ولچ و دیگران در تحقیق خود مدعی شده‌اند از آنجا که:

«محتوا، عمق و بروز دینداری در میان بزرگسالان را ... کاملاً ویژگیهای اجتماع دینی‌ای که افراد در آن عمل می‌کنند، تعیین می‌کند، ... احتمال آن هست که گوناگون بودن اثرات بازدارنده دین بر حسب تنوع بافتها را بتوان در یافته‌های به دست آمده از نمونه‌های بزرگسال دید، یافته‌ای که ممکن است در آزمون نمونه‌های نوجوان، یافت نشود^{۱۷}».

افزون بر این، اشتغالات دینی نوجوانان می‌تواند بازتاب نفوذ والدین و همسالان باشد، و بنابراین، موجب خلط و اشتباه در برآورد ارتباط دین و بزهکاری شود^{۱۸}. حضور نوجوانان در کلیسا نیز ممکن است «غیراختیاری^۱» بوده و بنابراین، شاخصی غیرقابل اعتماد^۲ برای برآورد تعهد دینی باشد^{۱۹}. از این رو، می‌توان مدعی شد که «تحقیقات مربوط به بزرگسالان ... احتمالاً زمینه مساعدتری را برای به آزمون کشیدن اثرات دینداری، به شکلی خالصتر، فراهم می‌سازد^{۲۰}»، اما متأسفانه مطالعات چندانی در باب رابطه دین و کجروی بزرگسالان وجود ندارد و موارد موجود نیز بسیار کمتر از آن است

1. less than voluntary.

2. unreliable.

که ما را قادر به برآورد ارتباط موجود در جرائم مربوط به این طبقه سنی سازد. در این خصوص، تایتل و ولچ در تحقیق خود صرفاً وجود شش تحقیق را در باب ارتباط دین و گونه‌های متفاوت کجروی در میان بزرگسالان گزارش کرده‌اند، تحقیقاتی که نتایج آن حاکی از وجود رابطه‌ای معکوس، از متوسط گرفته تا قوی، بین دین و بزهکاری بزرگسالان بوده است. از زمان این تحقیق تاکنون چهار تحقیق، مجموعه داده‌های مربوط به اثرات محیطی^۱ را برای آزمون نظریه اجتماعات اخلاقی به کار بسته‌اند.^{۲۱} نتایج تحقیقات مزبور نیز، در مجموع، حاکی از آن است که میزان عضویت افراد در کلیسا، ارتباطی معکوس با میزان جرم دارد؛ بدین شکل که میزان وقوع جرم در مناطقی از کشور که در آن، روابط دینی فشرده‌ای در محیط وجود دارد^۲، عموماً کمتر است.

صرف‌نظر از مطالعات مربوط به اثرات محیط، پنج تحقیق دیگر برای بررسی ارتباط کجروی و دینداری از نمونه‌های بزرگسال در کنار داده‌های مربوط به سطح فردی یا بافت اجتماعی، سود جست‌اند که کار آنها را بیشتر می‌توان با این تحقیق مرتبط دانست. به عنوان نمونه، تایتل در تحقیق خود^{۲۲} به این نتیجه رسیده است که متغیر حضور در کلیسا، دارای تغییراتی معکوس در مقایسه با احتمالی است که افراد در خصوص میزان درگیری آتی خویش در نوع از کنشهای کجروانه بیان کرده بودند. البته، همانگونه که پیشتر نیز گفته شد، تحقیق تایتل و ولچ همچنین نشان می‌دهد که سطوح غیر دینی بودن و بی‌سازمانی اجتماعی در جامعه را باید به عنوان واسطه‌هایی در نوع و میزان ارتباط موجود میان دین و جرم محسوب داشت که در عین حال، این رابطه را نیز تعدیل می‌کنند.

ولچ و دیگران، در دیگر تحقیق خاص خود، که با هدف آزمون فرضیه اجتماعات اخلاقی صورت گرفته است، دریافته‌اند که دینداری موجود در سطح محله‌ها^۳، همبستگی مستقیمی با کجروی فردی نمونه‌های آنها - که تماماً کاتولیک بودند - دارد و در عین حال، بین دینداری شخصی و دینداری جمعی موجود در سطح محله‌ها هیچ نوع رابطه متقابلی مشاهده نمی‌شود. در مقابل، چنانکه ذکر آن گذشت، استارک و دیگران در تحقیق سال ۱۹۸۲ خود، به نوعی اثر بازدارندگی از جرم در خصوص دینداری شخصی

1. ecological.

2. religious ecology is dense.

3. parish-level.

پی برده‌اند که در «اجتماعات دینی / اخلاقی» قوتی بیش از اجتماعات غیر مذهبی دارد. گرامسک و دیگران نیز در تحقیق خود با پرداختن به یکی از اشکال رفتار مجرمانه، یعنی مواردی که افراد خود از «تمایل به تقلب در پرداخت مالیات» سخن گفته بودند، به ردیابی فرایندی پرداختند که از طریق آن، دین قادر است نقش یک نظام برخورداری از ابزارهای تحریم و تأیید^۱ را ایفا کند. نتایج تحقیق این پژوهشگران حاکی از آن بود که ضمانت اجراهای دینی کنترل جرم، دو عامل شرم^۲ و سرافکنندگی^۳ است، نه ترس از آتش دوزخ، با این توضیح که شرم، عاملی مبتنی بر درونی شدن ارزشهای دینی است و سرافکنندگی نیز عاملی است که در یک شبکه دینی و توسط دیگران به فرد تحمیل می‌شود.^{۳۳} باک و دیگران نیز در تحقیق خود درباره اثر دین بر یکی از گونه‌های کجروی بزرگسالان ثابت کردند که دینداری توان پیش بینی استفاده مجاز از مشروبات الکلی، و نه افراط در مصرف آن، را ایجاد می‌کند. آنان همچنین نشان دادند که اثرات دینداری بر مصرف الکل، در میان وابستگان فرقه‌های محافظه‌کار بسیار بیشتر است.^{۳۴} خلاصه اینکه، علی‌رغم در آغاز راه بودن تحقیقات درباره نمونه‌های بزرگسال، شواهدی محدود نیز به دست آمده که نقش دینداری را به عنوان بازدارنده‌ای متعادل^۴ از جرم و کجروی بزرگسالان تأیید می‌کند، و این مطالعه نیز همین مسیر را در استفاده از نمونه‌های بزرگسال ادامه خواهد داد.

کارآیی نسبی دین: قید و بندهای غیر دینی

چنانکه گذشت، استفاده صرف از نمونه‌های بزرگسال می‌تواند احتمال مداخله برخی اثرات کاذب (مثلاً اثرات ناشی از نفوذ والدین و حضور اجباری نوجوانان در کلیسا) را کاهش دهد، اما در این میان، نکته‌ای که تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته، توان دین به عنوان یک عامل کنترل فردی در خصوص رفتارهای بزرگسالان است و آن نیز در شرایطی است که اثرات آن در جمع با اثرات سایر گونه‌های خاص کنترل غیر دینی - مانند کنترل‌های اجتماعی غیر رسمی خانواده و همسالان و همچنین بازدارنده‌های رسمی و قانونی - سنجیده شود. البته در این میان، آبرشت و دیگران در تحقیق خود هشدار داده‌اند که حتی در مورد جوانان نیز:

1. sanctioning system.

2. shame.

3. embarrassment.

4. moderate.

«مناقشات مربوط به کارآیی نگرشهای دینی ... در خصوص پیش‌بینی رفتارهای بزهکارانه، به مسئله لاینحلی بدل شده است ... و محققان باید به شرح و بسط الگوهای پیچیده‌تری از بزهکاری پردازند که در آن، نگرشهای دینی در ترکیب با سایر عوامل [کنترل اجتماعی] مورد بررسی قرار گیرد».^{۲۵}

تعداد نسبتاً اندکی از مطالعات چند متغیره که در مورد نمونه‌های نوجوان انجام شده (مانند تحقیق الیفسون و دیگران^{۲۶})، نیز به این نتیجه رسیده است که با تحت کنترل قرار گرفتن اثرات اخلاقی و غیر دینی قید و بندهایی مانند تعلق خاطر به همسالان و والدین، دینداری شخصی نفوذ خود را از دست می‌دهد^{۲۷}. بارکت و وارن نیز در تحقیق خود اظهارنظر کرده‌اند که دینداری صرفاً از نفوذی غیر مستقیم برخوردار است، و این نفوذ نیز از طریق گزینش همسالان متحقق می‌شود و این در حالی است که گزینش همسالان، به نوبه خود، قادر است بزه را کاهش دهد^{۲۸}. بر همین اساس و در جهت تعیین اثرات نسبی دین بر بزرگسالان، تحقیق حاضر نیز متغیرهای مربوط به قید و بندهای غیر دینی رسمی (بازدارنده‌های قانونی) و غیر رسمی اجتماعی را در الگوهای چند متغیره خود گنجانده است.

مشکلات اندازه‌گیری: جرم و دینداری

علاوه بر رویکردهای متفاوت نظری و مشخصه‌های الگویی^۱ی که پیش از این بررسی شد، ناهماهنگیهای موجود در یافته‌ها و همچنین اختلاف نظرهای موجود در باب میزان اثرات دین و مشروط بودن آن، ممکن است از مسائل روشی نیز ناشی شده باشد.^{۲۹} زیرا بسیاری از تحقیقات مربوط به ارتباط دین و بزهکاری، در ابتدا به بررسی اثر دینداری شخصی بر رفتارهای کجروانه‌ای پرداخته‌اند که نمی‌توان آن را «مجرمانه» به حساب آورد، و چنانکه قبلاً نیز گفته شد، بسیاری از این تحقیقات به جرائم بدون قربانی و ناقض زهد پرداخته‌اند. در واقع، می‌توان مدعی شد که دامنه پرسشهایی که تاکنون به عنوان معرف بزه و جرم به کار رفته، دامنه‌ای کاملاً محدود در خصوص بیان نمونه‌های ممکن قانون شکنی بوده است. به عنوان نمونه، حتی در تحقیقات انجام گرفته اخیر در خصوص بزرگسالان نیز اثر دین بر رفتارهایی مانند دو گونه مصرف مجاز و غیر مجاز الکل، تقلب

در پرداخت مالیات، ریختن زباله در معابر عمومی و سرقت بررسی شده است^{۳۰}. در هر حال، تحقیق حاضر نیز همانند تحقیق استارک بر این باور است که «آزمون معرف نظریه همبستگی اخلاقی، متکی بر اثبات این نکته است که دین تأثیری پیشگیرانه نسبت به کنشهای مبتنی بر ناهمنواییهای مجرمانه دارد^{۳۱}».

اندازه‌گیری دینداری نیز در بسیاری از تحقیقات پیشین کاری بالقوه مشکل آفرین بوده است، و در این خصوص، می‌توان دید که شاخصهای دینداری، همانند شاخصهای بزه و جرم، معمولاً جزئی و محدود بوده و در تحقیقات انجام شده نیز به ندرت شاخصهایی چند فقره‌ای^۱ به کار رفته است. این امر به منزله تک بعدی قلمداد شدن دینداری است یا نشانه این باور است که حضور در کلیسا، یعنی متعارف‌ترین سنجه دینداری، را می‌توان به عنوان نشانگری^۲ کافی و وافی درباره آن به کار برد. البته در عمل نیز محققان متعددی به نارسایی سنجه‌های موجود دینداری - که معمولاً حضور در کلیسا یا برجستگی نفوذ دین در فرد^۳ بوده است - در ترسیم قلمرو کامل این مفهوم، اذعان دارند^{۳۲}. اما در عین حال، همین سنجه‌های ناقص همچنان نشانگرهای تک فقره‌ای مناسبی در خصوص اندازه‌گیری تعهد دینی قلمداد می‌شود.

تحقیقات انجام شده در حوزه جامعه‌شناسی دین نیز نشان می‌دهد که دینداری را صرفاً با استفاده از شاخصهای چند فقره‌ای^{۳۳} و پرداختن به ابعاد مختلف این پدیده می‌توان به خوبی تبیین کرد و این امر ناشی از چند وجهی بودن این متغیر است. واضح است زمانی که نتوان پایایی و قابل اعتماد بودن یک فرضیه را با سنجه‌های تک فقره‌ای ارزیابی کرد، اعتبار آن فرضیه نیز مورد تردید خواهد بود. بر همین اساس، چون ابعاد هر دو متغیر دین و جرم، آشکارا متعددتر از آن است که در تحقیقات قبلی نشان داده شده، دامنه گسترده‌ای از ابعاد هر دو متغیر کلیدی مورد بحث در این مطالعه گنجانده شده است و این تدبیر، مجال ارزیابی اثرات شاخصهای گوناگون دینداری را بر مجموعه گوناگونی از انواع جرائم فراهم آورده است.

1. multi-item.

2. proxy.

3. religious salience.

روشها

سنجه جرم

بررسیهای پیمایشی مبتنی بر جرائم خود گزارشی افراد را معمولاً به این سبب مورد انتقاد قرار می دهند که در آنها، دامنه جرائم مورد بررسی به جرمهایی محدود می شود که کمتر جنبه خطرناک^۱ دارد. بر این اساس، مقیاس جرم در این تحقیق، از مجموعه پرسشهای متنوعی اقتباس شد که الیوت و دیگران در تحقیق جامع خویش در باب جوانان کشور^{۳۴}، به کار برده بودند. جرائم یقه سفیدها نیز برای تشکیل مقیاس جدید بدان افزوده شد (ضمیمه ۱ را در باب فقرات این معیار و میزان پایایی آن ببینید).

نمرات قابل اختصاص به هر نوع جرم برحسب این پرسش محاسبه شد که افراد در خلال ۱۲ ماه گذشته، هر یک از ۴۳ نوع کنشهای مجرمانه مورد سؤال را چند بار مرتکب شده اند. مجموعه پاسخ این پرسش نیز بسته نبود؛ سپس، برای جلوگیری از اشکالات محتمل در این دامنه کامل انواع درگیری در جرم، ضمن آنکه سعی شد تخلفات نسبتاً جزئی، ارزشی بیش از حد نیافته و مقیاس را تحریف نکند، نوعی نمره عاملی (وزنی)^۲، در خصوص هر یک از فقرات جرم در نظر گرفته شد^{۳۵}، که از طریق ضرب نمره معیار در ضریب نمره عاملی حاصل می آمد؛ و بر این اساس، این مجال فراهم شد که هر یک از فقرات مورد بحث بتواند نسبت سهم خود را در مقیاس نشان دهد؛ و بدین ترتیب، در مقایسه با یک مقیاس افزایشی^۳ ساده و متشکل از فراوانیهای خام، پراکندگیها بهبود و پایایی مقیاس نیز افزایش یافت^{۳۶}. در نهایت، هر ۴۳ فقره وزنی و عاملی، در نمایه ای تلفیقی از جرائم جمع آوری شد.

سنجه دین

تحقیقات پیشین، دین را دارای ابعادی مانند دینداری شخصی، وابستگیهای فرقه ای و شبکه های روابط دینی بین اشخاص به حساب آورده اند. (ضمیمه ۱ را در باب سنجه های دینداری و میزان پایایی آن ببینید!)

۱۵۶

جوزه و دانشگاه / ۲۳

1. less serious. 2. factor (weighted) score.
3. additive.

دینداری شخصی

بسیاری از تحقیقات مورد بحث، صرفاً شاخصهایی یک یا دو پرسشی را به عنوان شاخص دینداری به کار برده‌اند و این پرسشها نیز معمولاً ناظر به مواردی مانند حضور در کلیسا یا کلاسهای آموزش مسیحیت در روزهای یکشنبه^۱ بوده است، اما در این مطالعه،

سه بعد چند پرسشی^۲ از دین، مقیاس دینداری را تشکیل داده است. ابعاد مزبور عبارتند از فعالیت‌های دینی، برجستگی نفوذ دین در فرد و ترس از «آتش دوزخ». هریک از این ابعاد توان حکایت از سه عنصر مهم «مشارکت»، «تعلق خاطر» و «باور» را دارد، عناصری که محققان، آن را در تحقیقات انجام گرفته در باب اندازه‌گیری دینداری به کار گرفته‌اند. افزون بر این، نوعی مقیاس عام دینداری که مرکب از همه پرسشهای مربوط به دینداری بود، تدوین گردید^۳. همه مقیاسهای دینداری با بهره‌گیری از همان شیوه‌ای که درباره مقیاس جرم شرح داده شد و به کمک پرسشهای وزنی شده‌ی عاملی ساخته شدند و این تدبیر مجال آزمودن اثرات بالقوه و انحصاری هر یک از ابعاد خاص دینداری و نیز مقیاس دینداری عمومی را فراهم آورد. متغیرهای دینداری به عنوان متغیرهایی ضروری^۴ در نظر گرفته شد، به گونه‌ای که بیشتر بودن نمره مربوط به آن، نشان دهنده‌ی بالا بودن دینداری باشد. مجموعه و ابعاد پاسخها نیز به شرح ذیل است:

فعالتهای دینی: از پاسخ دهندگان تقاضا شد که میزان حضور سال گذشته خود را در مراسم مذهبی و وقایع اجتماعی، میزان مطالعه نوشته‌های دینی و نیز میزان گوش فرادادن به برنامه‌های مذهبی رسانه‌ها را بیان کنند. نمره پاسخهای ممکن به هر پرسش از ۱ («تقریباً هر هفته») تا ۵ («هرگز») درجه بندی شد. البته، این نمره‌ها بیانگر نوعی مقوله فراوانی^۴ بود، نه مجموع فراوانیها در آن سال.

برجستگی نفوذ دین در فرد: این بعد نشانگر نفوذ عملی دین در زندگی روزانه افراد به حساب آمده و از طریق پاسخهایی حاکی از «موافقت» یا «عدم موافقت» فرد با گزاره‌هایی اندازه‌گیری شده است که می‌تواند نشانگر گستره تأثیر باورهای دینی بر رفتارهای روزمره (در مقیاسی ۶ مقوله‌ای) و نیز میزان روی آوردن فرد به یک اجتماع دینی یا مجموعه‌ای از این دست باورها در زندگی روزانه باشد.

1. sunday school.

2. multi-items dimensions.

3. necessary variables.

4. frequency category.

ترس از آتش دوزخ: این معیار را هیرشی و استارک در تحقیق خود به عنوان نشانگری از باورهایی خاص نسبت به مجازاتهای ماوراء طبیعی و ترس از آن، به کار گرفته‌اند. این مطالعه نیز با بهره جستن از نظر پاسخ دهندگان در باب اعتقاد به باورهای زیر، که در یکی از ۶ مقوله «موافقت» یا «عدم موافقت» با آن باور ابراز شده است، به اندازه‌گیری بُعدی مشابه می‌پردازد: «انسانهای شرور، در دوزخ کیفر خواهند دید»، «خداوند گناهکاران را کیفر خواهد داد»، «خداوند از همه امور آگاه است»، «ترس اشخاص از مجازات الهی، ناشی از اعمال نادرست آنان است»، «پس از مرگ، حیاتی در کار است»، و «مبتلایان به ایدز به سبب گناهان خود مجازات می‌شوند».

محافظه‌کاری فرقه‌ای

نوع فرقه دینی نیز سنجه‌ای برای اندازه‌گیری پیامهای تحریمی اخلاقی تلقی گردید و بر این اساس، از پاسخ دهندگان خواسته شد که فرقه مذهبی خود را مشخص کنند. در این میان، با تکیه بر مقوله‌های ابداعی تحقیق اسمیت^{۳۸}، فرقه‌های پروتستان در طیفی متشکل از محافظه‌کار، میانه‌رو و لیبرال درجه‌بندی شدند. کاتولیکها در طبقه میانه‌رو و یهودیان در طبقه لیبرال گنجانده شدند^{۳۹}. نمره اختصاص یافته به فرقه‌های محافظه‌کار، ۳ (بالاترین درجه) است، و فرقه‌های لیبرال نیز با نمره ۱، کدگذاری شدند.

شبکه‌های دینی بین اشخاص

گستره محاط شدن پاسخ‌دهندگان در درون شبکه‌های دینی با تکیه بر دو نمایه اندازه‌گیری شد؛ نخست، از پاسخ دهندگان خواسته شد تا بگویند که از میان پنج تن از نزدیکترین دوستان و نیز اعضای خانواده آنان، تقریباً چند نفر به طور منظم (هر هفته یا یک هفته در میان) در کلیسا حضور می‌یابند و سپس، به عنوان سنجه‌ای فرعیتر^۱ از آنان درخواست شد تا (در مجموعه پاسخی مدرج، از ۱ تا ۴، یعنی از «تقریباً هیچ» تا «تقریباً همه») تعداد تقریبی آن دسته از همسایگان خویش را که به طور منظم در کلیسا حضور می‌یابند، و نیز دیندار بودن آنان را فی‌الجمله بیان کنند (و این اظهار نظر نیز، در قالب مجموعه پاسخی ۶ مقوله‌ای - حاکی از موافقت یا عدم موافقت - با این گزاره بیان شد که

1. more distant.

قید و بندهای غیر دینی

عامل نفوذ دین، به ویژه در جوامع غیر دینی امروز، جدای از سایر عوامل و در خلأ عمل نمی‌کند. در این زمینه، برخی از مطالعات به این نتیجه رسیده‌اند که وجود منابع غیردینی اخلاق، ارتباط دین و بزه را تضعیف می‌کند^{۴۰}. از این رو، مطالعه حاضر متغیرهایی را برای کنترل اثرات عوامل مؤثر اجتماعی و سیاسی غیر دینی - از قید و بندهای اجتماعی غیر رسمی گرفته تا باز دارنده‌های قانونی و رسمی - پیش بینی کرده است (برای ملاحظه فهرست کامل پرسشهای این مقیاس و پایایی آنها به ضمیمه ۱ مراجعه کنید). شاخص قید و بندهای اجتماعی غیر رسمی، مقیاسی استنباطی^۱ و وزنی شده عاملی است که از تحقیقات انجام شده پیشین درباره نظریه کنترل^{۴۱} اقتباس شده است و پاسخهای موافق یا مخالف با گزاره‌هایی ۶ مقوله‌ای را در بر می‌گیرد، که به بیان متغیرهایی از جمله احترام به پدر و مادر، کیفیت ارتباط با والدین، و احتمال تأثیر گذاری دوستان در ممانعت از نقض قانون اختصاص یافته است^{۴۲}.

گونه دیگر از الزامهای غیر دینی را پرسشهایی بیان کرده است که هدف آن اندازه گیری اثر باز دارنده‌های قانونی رسمی (یعنی ترس از شناسایی، توقیف و مجازات توسط قانون) است. در این خصوص، نمره بازدارندگی قانونی نیز به پاسخهای تخمینی پاسخ‌دهندگان به پرسشهای مقیاس (که در محدوده ۶ مقوله‌ای موافقت - عدم موافقت قرار دارد) اختصاص یافته است. باید توجه داشت که در این مقیاس، همانند دیگر مقیاسها، شیوه وزن دادن به عوامل به کار گرفته شده است.

سنجه‌های محیط اجتماعی

گو اینکه بافتهای دینی می‌تواند دارای اثراتی مستقیم یا در تأثیر و تأثر متقابل با دینداری شخصی باشد، وجود منابع غیر دینی اخلاق نیز می‌تواند موجب نفی تأثیر دین شود. در عین حال، نتایج برخی تحقیقات حاکی از آن است که بافتهای اجتماعی، اثرات دینداری شخصی بر جرم را مشروط می‌کند. بر این اساس، در این مطالعه اندازه‌گیری آن دسته از

1. summed scale.

محیطهای اجتماعی که دینداری می‌توانسته کمابیش در آن تأثیری برجسته و مشهود داشته باشد، با معیارهای زیر انجام گرفته است:

۱. تلقی ذهنی پاسخ دهندگان از همبستگی اجتماعی موجود در همسایگی آنها؛
۲. معیارهای عینی سرشماری مناطق کشور^۱ برای اندازه‌گیری بی‌سازمانی موجود در سطح اجتماع (ضمیمه ۱ را ملاحظه کنید).

تلقی افراد از همبستگی اجتماعی مشخصاً، بر حسب موافقت یا عدم موافقت پاسخ دهندگان با گزاره‌های راجع به سازمان یافتگی، نظم و مدنیّت در محله‌های مسکونی آنان نشان داده شده است^{۴۳}. البته در این مقیاس همبستگی اجتماعی نخست نمراتی وزنی شده و عاملی به پاسنخها اختصاص یافته و سپس برای ایجاد مقیاس، به گردآوری آن اقدام شده است.

افزون بر اثرات محیط محله‌ها - که شاخص آن، تلقی افراد در باب میزان همبستگی اجتماعی موجود در آن است - اثرات محیط اجتماعی به کمک دو سنجه ساختاری زیر، که از منابع سرشماری رسمی ایالات متحده اقتباس شده، اندازه‌گیری شده است: درصد خانواده‌های دارای سرپرست زن و میانگین درصد واحدهای مسکونی مستأجر نشین. البته این ویژگیها با ویژگیهای پاسخ دهندگان ساکن در مناطق سرشماری مشابه، انطباق یافته بود. در عین حال، باید اذعان کرد که سنجه‌های به کار رفته در سطح مناطق مزبور^۲، ممکن است واحدهای بوم شناختی یا «گروههای دآوری» تمام عیاری را برای مقایسه با محله‌ها تشکیل ندهد، زیرا این مناطق هرچند ممکن است دارای نقاط اشتراکی با «محله‌های زنده و واقعی» باشند، اما به ندرت بر آنها منطبق خواهند بود. با این همه، در مقایسه با غالب دیگر گروههایی که در تحقیقات محدود مربوط به اثرات محیط مورد استفاده قرار گرفته‌اند، مشابهت بیشتری با یک گروه دآوری قابل مشاهده در سطح اجتماع دارند^{۴۴}.

مبنای منطقی این تحقیق در خصوص استفاده از این سنجه‌های عینی بی‌سازمانی اجتماعی، تا حدودی از دو تحقیق سامپسون^{۴۵} تحصیل شده است. وی در این دو تحقیق، از درصد خانواده‌های دارای سرپرست زن به عنوان شاخص عمده بی‌ثباتی در خانواده و بی‌سامانی محله‌ها سود جست و در تحقیق اخیر خود مدعی شده است که

۱۶۰

حوزه و دانشگاه / ۲۳

1. census-tract.

2. census-tract-level.

«بالا بودن سطح از هم پاشیدگی خانواده در یک اجتماع، می‌تواند مانع به ثمر رسیدن تلاشهای فردی و جمعی خانواده‌ها در پیوند دادن جوانان با سطوح گسترده‌تر جامعه [یعنی نیل به یکپارچگی اجتماعی] - از طریق وسایل نهادینه‌ای مانند مدارس، دین و ورزش - شود»^{۴۶}.

در عین حال، از هم گسیختگی خانواده کنترل‌های غیررسمی را نیز تضعیف می‌کند، زیرا برخلاف محیط خانواده، در اجتماع کمتر کسی به عنوان مراقب اعضای بزرگسال، وظیفه نظارت بر رفتار این دست افراد مستعد عنان گسیختگی را بر عهده دارد.

معیار دیگر این تحقیق برای اندازه‌گیری یکپارچگی اجتماعی، که از سرشماریها اخذ شده است، جایگاه اجتماعی و اقتصادی همسایگان را نشان می‌دهد و عبارت است از نسبت واحدهای مسکونی اجاره‌نشین در مناطق سرشماری شده مربوط به پاسخ‌دهندگان، بدین ترتیب که افزایش میزان اجاره‌نشینی در برابر واحدهای مالک نشین، نوعی شاخص نسبی بی‌سامانی اجتماعی به حساب آمده است^{۴۷}. علاوه بر این، بالا بودن سطح اجاره‌نشینی بیانگر عواملی مانند انتقال جمعیت و نازل بودن سطح ثبات و پایداری محله‌ها است، زیرا اینگونه انتقال جمعیت، در نهایت می‌تواند توان اجتماع را در سازماندهی نهادهای کنترل اجتماعی رسمی یا غیر رسمی، از جمله کلیساها، تحت تأثیر قرار دهد.

نظر تایلور و کاوینگتون در زمینه موجه دانستن استفاده از هر دو سنجه مزبور برای اندازه‌گیری اثرات محیط اجتماعی، آن است که

«کاهش در ثبات [که شاخص آن، میزان انتقال جمعیت و مالکیت منازل مسکونی است] یا پایبندی به خانواده، قویترین ارتباط را با روند روز افزون خشونت دارد. کمبود ثبات یا پایبندی به خانواده - که شاخص آن نسبتهای پایین خانوارهای متشکل از زوجهای ازدواج کرده و مالکیت منازل مسکونی است - گمنامی را افزون می‌سازد، و از این رهگذر، مانع بسط و توسعه قواعد و اصول اخلاقی محلی^۱ یا کنترل اجتماعی غیر رسمی می‌شود»^{۴۸}.

علاوه بر این، می‌توان گفت که این بی‌ثباتی می‌تواند مانعی بر سر راه شکل‌گیری

1. local standards.

کلیساها و بقای گروههای منسجم و پایدار دینی در محدوده اجتماع باشد.

متغیرهای کنترل جمعیت

تحلیل‌های متأخر، متغیرهایی مانند جنس، سن و درآمد خانوادگی را به عنوان متغیرهای کنترل به کار گرفته‌اند، زیرا متغیرهای مزبور می‌توانند با هر دو متغیری که در این تحقیق، مستقیماً مورد توجه‌اند - یعنی جرم و دین - پیوند داشته باشند. از این رو، در این تحقیق نیز تدبیر فوق اتخاذ شد و در این خصوص، کد جنسیت برای مردان ۱ قرار داده شد و درآمد خانوادگی نیز مجموع درآمدهای پاسخ دهنده و همسر او تلقی گردید.



نتایج

جدول شماره (۱)، نتایج سه الگوی مجزای رگرسیون را در خصوص ارتباط دینداری و جرم عمومی نشان می‌دهد.^{۴۹} در الگوی اول، دینداری عمومی - یعنی سنجه مرکب از تمام پرسشهای مربوط به دینداری - اثر منفی معناداری را بر جرم نشان می‌دهد، اما هرچه این الگو با افزوده شدن کنترل‌های مربوط به قیدوبندهای غیردینی، تفصیل بیشتری می‌یابد، اثرات دینداری شخصی، از نظر آماری، بی‌معنا جلوه می‌کند، تا آنجا که در الگوی سوم یا الگوی کاملاً تفصیلی، هیچ یک از متغیرهای دینی، اثر معناداری را بر جرم نشان نمی‌دهد.^{۵۰} دامنه نوسانات الگوهای دینداری و جرم عمومی از ۲۱٪ تا ۲۴٪ بوده است.

جدول ۱- اثرات دین بر جرم عمومی (نتایج آزمونهای بتا)

دین	دین	دین و الزامهای غیر دینی	دین، الزامهای غیر دینی و محیط اجتماعی
دینداری عمومی	* ۰/۱۱ -	۰/۰۷ -	۰/۰۲ -
محافظه کاری فرقه‌ای	۰/۰۸ -	۰/۰۸ -	۰/۰۶ -
خصایص منزلتی:			
سن	* ۰/۳۶ -	* ۰/۳۳ -	* ۰/۳۳ -
جنس (مرد=۱)	* ۰/۲۱	* ۰/۱۸	* ۰/۱۷
درآمد خانواده	* ۰/۱۷ -	* ۰/۱۷ -	* ۰/۱۸ -
الزامهای غیر دینی:			
بازدارنده‌های قانونی	* ۰/۱۱ -	* ۰/۱۱ -	۰/۱۰ -
الزامهای اجتماعی	* ۰/۱۲ -	* ۰/۱۲ -	* ۰/۱۲ -
شبکه‌های دینی:			
دوستان و خانواده			۰/۱۱ -
همسایگان			۰/۰۸ -
رابطه با محیط اجتماعی:			
یکپارچگی اجتماعی			۰/۰۳
خانوارهای با سرپرست زن			۰/۰۳ -
درصد اجاره نشینی			۰/۰۷
مجذور رگرسیون	۰/۲۱	۰/۲۴	۰/۲۴

* $p < 0/05$.

برای کشف اثرات بالقوه و متفاوت ناشی از ابعاد سه گانه و مورد بحث دینداری، الگوهای کاملاً تفصیلی به شکلی جداگانه و در ازای هر بعد ارزیابی شده است (جدول

۲ را ببینید)^{۵۱}. از میان سه سنجه فرعی دینداری موجود در مقیاسها، دو معیار - ترس از آتش دوزخ و برجستگی نفوذ دین در فرد - هنگام به میدان آمدن همه کنترلها، هیچ اثر معناداری را بر جرم عمومی نشان نمی دهد. با وجود این، سومین سنجه دینداری، یعنی فعالیتهای دینی، نوعی تأثیر منفی دارد که علی رغم وجود همه کنترلها بر جای می ماند (جدول ۲، ستون ۱ را ملاحظه کنید). در این خصوص نیز، دامنه نوسانات جرم عمومی - که در الگوهای کاملاً تفصیلی و به کمک سنجههای فرعی دینداری (فعالیتهای دینی، ترس از آتش دوزخ و میزان نفوذ دین در فرد) بیان شده است - از ۲۵٪ تا ۲۸٪ بوده است.

جدول شماره ۲ - اثرات دین بر جرم عمومی (نتایج آزمونهای بتا)

معیارهای اندازه گیری دینداری	فعالیتهای دینی	ترس از آتش دوزخ	برجستگی نفوذ دین بر فرد
دینداری	* ۰/۱۶ -	۰/۰۶	- ۰/۰۳
محافظه کاری فرقه ای	- ۰/۰۷	- ۰/۰۶	- ۰/۰۶
خصایص منزلتی:			
سن		* ۰/۳۲ -	* ۰/۳۴ -
* ۰/۳۵ -			
جنس (مرد=۱)	* ۰/۱۷	* ۰/۱۷	* ۰/۱۶
درآمد خانواده	* ۰/۲۰ -	* ۰/۲۰ -	* ۰/۲۰ -
الزامهای غیر دینی:			
باز دارنده های قانونی	* ۰/۱۲ -	* ۰/۱۳ -	* ۰/۱۲ -
الزامهای اجتماعی	* ۰/۱۱ -	* ۰/۱۳ -	* ۰/۱۲ -
شبکه های دینی:			
دوستان و خانواده	- ۰/۰۳	* ۰/۱۴ -	- ۰/۱۰
همسایگان	- ۰/۰۹	- ۰/۰۹	۰/۰۹
رابطه با محیط اجتماعی:			
یکپارچگی اجتماعی	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۰۴
خانوارهای با سرپرست زن	- ۰/۰۲	- ۰/۰۱	- ۰/۰۱
درصد اجاره نشینی	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۰۶
مجذور رگرسین	۰/۲۸	۰/۲۵	۰/۲۶

* $P < 0.05$.

جدولهای ۱ و ۲، از وجود چند رابطه قابل توجه دیگر نیز در دو الگوی دینداری و جرم خبر می دهد؛ از جمله آنکه، در همه الگوها، به جز الگوی دینداری عمومی (جدول ۱)، هم بازدارنده های قانونی و هم قید و بندهای اجتماعی غیر رسمی، هر دو خود را به عنوان مانعی در راه درگیر شدن در جرم عمومی جلوه گر می سازد؛ در عین حال، در الگویی که دینداری عمومی شاخص دینداری است، بازدارنده های قانونی پیش بینهای معناداری به نظر نمی آید؛ همچنین هماهنگ با تحقیقات خود گزارشی پیشین، جرم ارتباط معکوسی با سن دارد؛ و، نسبت به زنان، در میان مردان محتمل تر است؛ وانگهی، به نظر می رسد که بزهکاری در سطوح بالای درآمد خانواده، کاهش می یابد. تحقیق حاضر، این ادعا را نیز - که اثرات دینداری شخصی بر جرم در محدوده اجتماعات اخلاقی تعدیل می شود - با ایجاد شرایط اثر گذاری و تأثیر و تأثر متقابل^۱ برای آمیزه های ابعاد دینداری شخصی، سنجه های اثرات محیط اجتماعی و شبکه های دینی به آزمون کشیده است و نتایج حاکی از یکسانی رگرسیون جرم با دیگر متغیرهای به کار رفته در الگوهای کاملاً افزایشی است.^{۵۲} در عین حال، در میان اثرات متقابل و ممکن الحصول در این شرایط، جز شرایط افزایشی تلفیقی و فردی^۲ این معادله ها، هیچ الگوی معناداری از اثرات مشترک^۳ یا در کل، هیچ تأثیر معنادار دیگری که بتواند تبیینی برای تغییرات ذکر شده باشد، یافت نشد.

بحث و گفتگو

بررسی مجدد عامل ترس از آتش دوزخ

نکات قابل مشاهده در بررسیهای انجام شده آن است که از میان چهار سنجه دینداری در این تحقیق، سه سنجه - دینداری عمومی، باورها (ترس از آتش دوزخ) و همچنین ارزشهای دینی (برجستگی نفوذ دین در فرد) - قادر نبوده است در الگوهای کاملاً افزایشی، اثری بازدارنده و مستقیم نسبت به بزهکاری بزرگسالان نشان دهد.^{۵۳} همچنین ملاحظه شده است که اگر فرقه های محافظه کار، پیامهای تحریمی جدی ای را به اعضای خود القا کنند، در صورت فقدان دیگر منابع کنترل، این هشدارها نیز مورد اعتنا واقع

1. product-interaction terms.

2. combined individual additive terms.

3. joint effects.

نخواهد شد. افزون بر این، منابع غیردینی اخلاق یا تأثیر عوامل دینداری - شامل اعتقادات و نگرشها - را بر جرم از بین می‌برد یا آن را مضاعف می‌سازد.

با وجود این، یکی از یافته‌های این تحقیق کارآمدی شاخصهای رفتاری دینداری را - که معمولاً از نوع حضور در مراسم مذهبی است -، همانگونه که در تحقیقات پیشین مشاهده شد، تأیید می‌کند. آن یافته این است که فعالیتهای دینی اثر خود را در صورت وجود کنترل‌های غیردینی نیز نشان می‌دهد. البته از آنجا که اثرات معناداری به ازای دیگر سنج‌های دینداری به دست نیامده است، به نظر می‌رسد که کشف اثرات فردی دین بر بزرگسالان، حداقل بستگی چندانی به این ندارد که دینداری در کجا - یعنی در چه بافتی - اندازه‌گیری شده باشد، بلکه موقوف به این است که کدام متغیر برای بیان دینداری به کار رفته است.

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که در الگوهای تفصیلی این تحقیق، فعالیتهای دینی، بهترین پیش‌بین و سنج کنترل و نظارت دینی است. در عین حال، باید دانست که این فعالیتهای احتمالاً به این دلیل بر پاسخ‌دهندگان «اثری داشته است» که آنان به شکلی منظم در کارهای کلیسا یا فعالیتهای مرتبط با آن مشارکت داشته‌اند. لذا می‌توان گفت که در مقایسه با افرادی که در امور دینی کمتر فعالند، این سنخ افراد با شدت و نیز در دفعات بیشتری، تحت تأثیر «پیامهای تحریمی اخلاقی» که در کنترل اعمال بزهکارانه مؤثرند، قرار داشته‌اند.^{۵۴} بدین ترتیب، کنشهای متقابل پی‌درپی فرد با دیگرانی که مذهبی‌اند - حتی با مؤمنانی که از طریق «کانالهای رادیویی» با آنان ارتباط برقرار می‌کند^۱ - می‌تواند مجال کنترل دقیق و حتی مجازات عنان‌گسیختگیها را فراهم سازد. احتمال تقویت شدن مستمر ارزشهای اخلاقی و دینی و همچنین کنترل دینی رفتار هنگامی بیشتر خواهد بود که فرد در میان اجتماعی از هم‌کیشهای خود قرار داشته باشد. وایت نیز در تحقیق خویش، در این خصوص یادآوری می‌کند که

«برخوردار بودن انسان از اعتقادی راسخ یا حتی غالباً پرداختن او به نیایش، مسلماً به اندازه مجازاتهای [دینی یا غیردینی]ی که دیگران بر وی تحمیل می‌کنند، در جهت دادن به رفتار او مؤثر نیست^{۵۵}».

همچنین احتمال بیشتری می‌رود که افراد درگیر در فعالیتهای دینی، با افرادی به

1. "airwave" believers.

کنش متقابل بپردازند که قادرند مجازاتهای مذکور را اعمال کنند. گرازمیک و دیگران اظهار می‌دارند که از طریق همین شبکه‌های ابتدایی اجتماعی است که تهدیدهای مبتنی بر مجازات جنبه عملی به خود می‌گیرد، و این شبکه‌ها نیز احتمالاً پیرامون افرادی شکل می‌گیرد که مرتباً به کلیسا می‌روند.^{۵۶} بنابراین، حتی اگر فردی اقرار کند که آتش دوزخ را باور دارد یا مدعی وجود نوعی نگرش^۱ دینی و درونی شده، در زندگی روزانه خود باشد، اثر بازدارندگی این نوع دینداری بر رفتار او به مراتب کمتر از اثر آن بر رفتار افرادی است که به طور منظم و به شکلی مستقیم و بیواسطه در یک اجتماع مذهبی مشارکت می‌جویند.^{۵۷}

دینداری و بافتهای اخلاقی

قطع نظر از اثرات مستقیم شخصی و فرقه‌ای دین، احتمال مشروط بودن ارتباط دین و جرم به عوامل بافتی - یعنی اجتماعات اخلاقی - نیز بررسی شد، اما شواهدی برای تأیید این اثرگذاری مشترک به دست نیامد. البته، چنانچه استارک و دیگران در دو تحقیق خویش و همچنین تایتل و ولچ در تحقیق خود اظهار داشته‌اند، ممکن است در میان افراد یک اجتماع دینی، دینداری از نفوذی مشهود و برجسته برخوردار باشد، اما این احتمال هم وجود دارد که این افراد که فقط «مؤمن» نیستند و در مراسم و مسابقات خیریه کلیسا^۲ نیز حضور دینی فعالی دارند، در معرض کنترل‌های دینی گروهی بوده باشند. بدین ترتیب، می‌توان گفت که نه باورها (ترس از آتش دوزخ) و نه نگرشهای دینی (برجستگی نفوذ دین در فرد) هیچ یک به اندازه رفتارهای عملی فرد (فعالیت‌های دینی) در بازداشتن وی از ارتکاب بزه اهمیت ندارد، رفتارهایی که به نوبه خود نیازمند غوطه‌ور شدن فرد در شبکه‌های دینی - یعنی در «اجتماعی از مؤمنان» - است.

پژوهش حاضر، همچنین اثبات می‌کند که رابطه دینداری و جرم، لااقل در میان بزرگسالان، نه کاذب است، و نه اتفاقی؛ و علاوه بر آن به جرائم کمتر خطرناک، یا ناقص زهد نیز محدود نیست. نتیجه دیگر نیز آن است که احتمال آشکار شدن این پیوند، با بهره‌گیری از شاخصهای رفتاری دینداری بیشتر است؛ و این بدان معنی است که امکان مشاهده اثرات دین بر جرم در این تحقیق، فقط به کمک یک سنجه رفتاری فاقد ابهام و

1. direction.

2. church-sponsored events.

کامل دینداری - یعنی فعالیت‌های دینی - فراهم آمده است. البته پیشاپیش باید اذعان کرد که حتی به کمک سنجه‌های جامع جرم در این مطالعه نیز، تحقیقات خود گزارشی برخوردار از حجم نمونه‌ای محدود، فقط جرائمی را نشان خواهد داد که خطرناکی نسبتاً کمتری دارد. با وجود این، می‌توان مدعی شد که مقیاس به کار رفته در این تحقیق در باب جرم، می‌تواند نشان دهنده بخش عمده «واقعیت» این پدیده باشد، هر چند شاید به این دلیل که این تحقیق نوع شهروندان را در بر نداشته است، نتوان به سادگی تعبیر «عمده» را به کار برد.

یکی از یافته‌های الگوی آتش دوزخ نیز تا اندازه‌ای خلاف قاعده به نظر می‌رسد و توضیح بیشتری در خصوص آن ضرورت دارد. این یافته، دینداری دوستان و خانواده را برخوردار از اثر منفی معناداری بر جرم می‌نمایاند و در همان حال، ترس از آتش دوزخ را دارای اثری مثبت و فاقد معنا بر آن تصویر می‌کند. دلیل این امر می‌تواند آن باشد که معنادار جلوه کردن تأثیر دینداری دوستان و اعضای خانواده ممکن است ناشی از ضعف نسبی سنجه ترس از آتش دوزخ به عنوان یک شاخص دینداری شخصی باشد و به عبارت دیگر، این شبکه‌ها می‌توانند به نوعی نشانگر فعالیت دینی شخصی نیز باشند، اما این نکته در الگوی مزبور لحاظ نشده است.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر این نتیجه را به دست می‌دهد که دین - که شاخص آن، فعالیت‌های دینی است - اثراتی مستقیم و شخصی بر بزهکاری بزرگسالان دارد، البته با ذکر این نکته که سنجه این بزهکاری دامنه‌ای وسیع از کنشهای بزهکارانه است. دیگر اینکه، این رابطه با ورود متغیرهای مربوط به کنترل‌های غیر دینی نیز پابرجا می‌ماند و در عین حال، به اثرات بافتهای اجتماعی یا دینی نیز بستگی ندارد. از این رو، می‌توان گفت که دین - که با لحاظ این شاخص، تأثیر آن به عنوان یک خصیصه رفتاری فردی اندازه‌گیری شده است - اثراتی پایدار بر گستره وسیعی از جرائم دارد. البته، چنانکه پیشتر ذکر شد، این احتمال نیز وجود دارد که رفتار دینی شخصی (حضور در کلیسا و فعالیت‌های مرتبط با آن) در گیرودار معاشرت با سایر مؤمنان، دوستان مذهبی، اعضای خانواده و هم محلیهای پایبند به این فعالیتها قرار بگیرد و به دست آنان استحکام یابد. بدین ترتیب، یافته‌ها اطمینان

می‌دهند که نقش دین در جرائم بزرگسالان «مهم» است، اما در عین حال، باید به ضرورت تقویت شناخت موجود دربارهٔ عامل دین در جرائم بزرگسالان و نوجوانان اذعان داشت و این مهم را با بررسیهای بیشتری دربارهٔ روابط دو سویه آثار فردی و گروهی دین به انجام رساند.

همچنین پیشنهاد می‌شود تحقیقات چند متغیرهٔ بیشتری انجام گیرد و در آن، از سنجه‌های کافی و وافی، نمونه‌های بزرگسال و متغیرهای مربوط به کنترل‌های اجتماعی غیر دینی - در سطوح مختلف تأثیر گذاری آنها - استفاده گردد. به طور مثال، فرضیهٔ اجتماعات اخلاقی را می‌توان با استفاده از سنجه‌هایی مناسبتر در باب اثرات شبکه‌ها و بافتهای اجتماعی و دینی، به شکلی بهتر از آنچه در حال حاضر ممکن است، ارزیابی کرد. البته در خصوص اجتماعات مزبور این مشکل وجود دارد که اگر این اجتماعات خیلی به افراد نزدیک باشند، امکان خلط اثرات آنها با اثرات دینداری شخصی وجود دارد و اگر هم از آنها خیلی دور باشند، قدرت تحریمی و تأییدی خود را از دست خواهند داد. مجموعهٔ یافته‌هایی که تاکنون در این زمینه گردآوری شده است، با قرار دادن اثرات مستقیم، غیر مستقیم و دو سویه در یک ترتیب زمانی، مجال ارزیابی بهتر پیوندهای علی و معلولی را فراهم می‌آورد و از این طریق، در فهم بهتر آن مؤثر می‌افتد.^{۵۸} مثلاً احتمال آن هست که دینداری شخصی بر فرایند‌گزینش دوست اثر گذارد و در عین حال، دوستان نیز دینداری شخصی را تحت تأثیر قرار دهند. افزون بر این، مشارکت در امور دینی می‌تواند انگیزهٔ احترام به اخلاق یا اقتدار غیر دینی را ایجاد کند و در مقابل، قید و بندهای قوی اجتماعی نیز می‌تواند قید و بندهای دینی را استحکام بخشد.

البته، در حال حاضر محققان در آغاز راه فهم روندی هستند که می‌تواند پیوندهای میان دین و جرم را آشکار سازد.^{۵۹} با وجود این، بخش بسیار وسیعتری از کار همچنان باقی مانده است. در عین حال، ملاحظهٔ دین در بستر دیدگاههای متفاوت و متعارض نظری،^{۶۰} چشم‌اندازهای مهم دیگری را در دو زمینهٔ کارایی نسبی دین به عنوان حفاظی در برابر جرم و بزه، و فرایندی که دین می‌تواند از طریق آن، به عنوان نوعی عامل تعیین‌کنندهٔ^۱ اخلاقی در کاهش جرم و بزه مؤثر باشد، خواهد گشود.

1. arbiter.

۱. مقیاسها و پرسشهای آزمون

* جرم (پایایی = ۰/۷۷) ۶۱

- ۱- مستی در ملاء عام؛
- ۲- خودداری از پرداخت وجه چیزهایی مانند بلیت سینما، اتوبوس و غذا؛
- ۳- درخواست آگاهانه خسارات غیر واقعی از بیمه؛
- ۴- پارک کردن وسیله نقلیه در نواحی «پارکینگ ممنوع»؛
- ۵- خرید یا تهیه مشروب الکلی برای افرادی که به سن قانونی نرسیده‌اند؛
- ۶- باز نگرداندن پول نقد اضافی‌ای که صندوقدار اشتباهی پرداخت کرده است؛
- ۷- رفتار زننده، برخورد های آزار دهنده و جنجال برانگیز در اماکن عمومی؛
- ۸- استفاده رایگان و غیر قانونی از وسایل نقلیه عمومی؛
- ۹- رانندگی وسایل نقلیه با سرعتی بیش از حد مجاز؛
- ۱۰- گدایی پول یا اشیا از غریبه‌ها؛
- ۱۱- وارد آوردن خسارت به وسیله نقلیه دیگران، بدون اینکه صاحب آن اطلاع یابد؛
- ۱۲- تقاضای تخفیف مالیات در اظهارنامه‌های مربوطه، بدون استحقاق آن؛
- ۱۳- عدم گزارش رقم صحیح درآمد در اظهارنامه‌های مالیاتی؛
- ۱۴- شرط‌بندیهای غیر قانونی، مانند شرط بندی در مسابقات ورزشی یا بازی با ورق؛
- ۱۵- رانندگی در حال مستی؛
- ۱۶- انجام مزاحمت‌های وقیحانه تلفنی، مانند تلفن زدن به یک شخص و مخاطب قرار دادن او با الفاظ رکیک؛
- ۱۷- ادرار کردن در مکانهای عمومی (مانند پشت یک درخت)؛
- ۱۸- درگیر شدن در نزاعهای دسته جمعی بزهکاران جوان؛
- ۱۹- فروش حشیش یا ماری جوانا؛
- ۲۰- فروش داروهای اعتیادآوری مانند هروئین، کوکائین یا ال. اس. دی؛
- ۲۱- خرید، فروش یا نگهداری آگاهانه اشیای مسروقه (یا تلاش برای انجام یکی از این موارد)؛
- ۲۲- برداشتن بدون اجازه وسیله نقلیه دیگران برای رانندگی؛
- ۲۳- پرتاب اشیا به سوی مردم یا وسایل نقلیه؛
- ۲۴- دزدی یا تلاش برای دزدیدن اشیایی با ارزش کمتر از ۵ دلار از محل کار؛
- ۲۵- دزدی یا تلاش برای دزدیدن اشیایی با ارزش بین ۵ تا ۵۰ دلار از محل کار؛
- ۲۶- دزدی یا تلاش برای دزدیدن اشیایی با ارزش بیش از ۵۰ دلار از محل کار؛
- ۲۷- دزدی یا تلاش برای دزدیدن اشیایی با ارزش ۵ دلار یا کمتر از اماکنی غیر از محیط کار؛
- ۲۸- دزدی یا تلاش برای دزدیدن اشیایی با ارزش بین ۵ و ۵۰ دلار از اماکنی غیر از محیط کار؛
- ۲۹- حمل مخفیانه سلاحی جز یک چاقوی جیبی معمولی؛
- ۳۰- وارد آوردن خسارت به اموال متعلق به اعضای خانواده یا از بین بردن عمدی آن؛
- ۳۱- وارد آوردن خسارت به اموال متعلق به کارفرمای خود یا از بین بردن عمدی آن؛
- ۳۲- وارد آوردن خسارت به اموال متعلق به غیر خود یا از بین بردن عمدی آن (قطع نظر از اینکه از اعضای خانواده یا کارفرمای او باشد یا نباشد)؛
- ۳۳- ورود توأم با زور به یک ساختمان یا خودرو (یا سعی در اینگونه ورود) به منظور سرقت شیئی خاص یا صرف جستجوی آن مکان؛
- ۳۴- استفاده از زور (اعمال خشونت) با هدف گرفتن پول یا اشیا دیگر از اعضای خانواده؛
- ۳۵- استفاده از زور (اعمال خشونت) با هدف گرفتن پول یا اشیا دیگر از افرادی غیر از اعضای خانواده یا همکاران؛

۱۷۰

- ۳۶- زدن یکی از اعضای خانواده یا تهدید وی به آن؛
- ۳۷- زدن فردی غیر از همکاران یا اعضای خانواده یا تهدید وی به آن؛
- ۳۸- حمله به اشخاص با قصد ایراد صدمه جدی یا کشتن آنها؛
- ۳۹- مصرف ماری جوانا یا حشیش؛
- ۴۰- مصرف داروهای توهم زا؛
- ۴۱- مصرف آمفتامین (داروهای تحریک کننده)؛
- ۴۲- مصرف داروهای خواب آور؛
- ۴۳- مصرف کوکائین.

* دینداری

* فعالیتهای دینی (پایایی = ۰/۷۹)

- ۱- در دوازده ماه گذشته، چند بار در مراسم دینی شرکت داشته‌اید؟
- ۲- در دوازده ماه گذشته، چند بار در وقایع اجتماعی واجد جنبه مذهبی شرکت داشته‌اید؟
- ۳- در دوازده ماه گذشته، چند بار نوشته‌های مذهبی مطالعه نموده‌اید؟
- ۴- در دوازده ماه گذشته، چند بار به برنامه‌های مذهبی رادیو گوش فرا داده یا برنامه‌های مذهبی تلویزیون را مشاهده کرده‌اید؟

* برجستگی نفوذ دین در فرد (پایایی = ۰/۸۵)

- ۱- دین، بخش عمده‌ای از زندگی مرا به خود اختصاص داده است؛
- ۲- پیروی از دستورات خداوند برای من مهم است؛
- ۳- در مشکلات فردی، برای راهنمایی به دین رو می‌آورم.
- * ترس از آتش دوزخ (پایایی = ۰/۸۸)
- ۱- پس از ارتکاب اعمال ناصواب، از مجازات خدا در هراس می‌افتم؛
- ۲- افرادی که در دنیا شرور و بدکار بوده‌اند، سرانجام کیفر دوزخ را خواهند چشید؛
- ۳- پیروی از دستورات خداوند برای من مهم است؛
- ۴- خداوند همه چیز را در باب افراد خطاکار می‌داند؛
- ۵- در پایان جهان، خداوند تمامی آنان را که مرتکب گناه شده‌اند، مجازات خواهد کرد؛
- ۶- زندگی پس از مرگ وجود دارد؛
- ۷- بسیاری از افراد مبتلا به بیماریهایی مانند ایدز را خداوند به دلیل خطاکاری مجازات می‌کند.

* شبکه‌های دینی

* خانواده و دوستان (پایایی = ۰/۶۲)

- ۱- از میان پنج تن از نزدیکترین دوستان خود، چند تن را می‌توانید نام ببرید که به طور منظم در کلیسا حضور می‌یابند (هر هفته یا یک هفته در میان)؟
- ۲- از میان پنج تن از نزدیکترین اعضای بالغ خانواده، چند تن را می‌توانید نام ببرید که به طور منظم در کلیسا حضور می‌یابند (هر هفته یا یک هفته در میان)؟
- * همسایگان (پایایی = ۰/۷۸)
- ۱- گمان می‌کنید در همسایگی شما، چند تن به طور منظم در کلیسا حضور می‌یابند (هر هفته یا یک هفته در میان)؟
- ۲- در همسایگی من، غالب افراد مذهبی‌اند.

* الزامهای غیر دینی

* ترس از مجازاتهای قانونی (پایایی = ۰/۷۴)

- ۱- اگر قوانین را نقض کنم، احتمال زیادی وجود دارد که پلیس مرا دستگیر کند؛
 - ۲- اگر قوانین را نقض کنم و دستگیر شوم، احتمال زیادی وجود دارد که به زندان بیفتم.
- ** الزامهای اجتماعی غیر رسمی (پایایی = ۰/۸۲) ****
- ۱- در طول زندگی، احترام زیادی برای پدر و مادر خویش قائل نبوده‌ام؛
 - ۲- اگر به فکر نقض قانون بیفتم، دوستانم مرا به ترک آن توصیه خواهند کرد؛
 - ۳- در طول زندگی، به خوبی با پدر و مادر خویش رفتار کرده‌ام.

*** محیط اجتماعی**

**** همبستگی اجتماعی (پایایی = ۰/۸۰) ****

- ۱- در محله ما، تشخیص بیگانه از خودی آسان است؛
- ۲- اوضاع محله ما، پیوسته بدتر و بدتر می شود؛
- ۳- بیشتر همسایگان من، اوقات زیادی را صرف می کنند تا خانه خود را در وضع مناسبی نگهدارند؛
- ۴- در محله ما پیاده روی بیرون از خانه پس از تاریک شدن هوا، امنیت ندارد؛
- ۵- محله ما بسیار پر سر و صداست و به نظر می رسد که خیابانها همیشه پر از آشغال است؛
- ۶- در محله ما، اگر مردم متوجه شوند که جرمی در حال وقوع است، می توانند به سهولت و سرعت پلیس را خبر کنند؛
- ۷- بسیاری از افرادی که در محله ما زندگی می کنند، مردمی خوب و شهروندانی محترمند.

*** بی سازمانی عینی ساختاری (سرشماری)**

- ۱- درصد خانواده های دارای سرپرست زن؛
- ۲- درصد واحدهای مسکونی اجاره نشین.

۲. همبستگی متغیرهای مستقل تحقیق و جرم

جرم	
۱- جنس (مرد = ۱)	* ۰/۱۷۶
۲- سن	* ۰/۴۲۰
۳- درآمد خانواده	* ۰/۱۳۱
۴- محافظه کاری فرقه ای	* ۰/۰۱۳
۵- دینداری عمومی	* ۰/۱۹۸
۶- فعالیتهای دینی	* ۰/۲۸۲
۷- ترس از آتش دوزخ	* ۰/۰۸۷
۸- نفوذ دین در فرد	* ۰/۲۲۷
۹- شبکه های دینی (خانواده و دوستان)	* ۰/۲۴۸
۱۰- شبکه های دینی (همسایگان)	* ۰/۰۷۲
۱۱- بازدارنده های قانونی	* ۰/۲۵۰
۱۲- الزامهای اجتماعی	* ۰/۲۷۰
۱۳- همبستگی اجتماعی	* ۰/۱۸۲
۱۴- درصد خانواده های با سرپرست زن	* ۰/۰۸۲
۱۵- درصد اجاره نشینی	* ۰/۱۰۹



۳. همبستگی متغیرهای مستقل تحقیق

	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱ جنس															۱/۰۰۰	
۲ سن														۱/۰۰۰	۰/۰۳۱	
۳ درآمد خانواده													۱/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۱۶۷*	
۴ محافظه کاری فرقه ای												۱/۰۰۰	-۰/۰۸۵	-۰/۰۶۲	۰/۰۴۱	
۵ دینداری عمومی											۱/۰۰۰	۰/۱۴۹*	-۰/۱۰۷*	۰/۳۵۹*	-۰/۱۵۲*	
۶ فعالیتهای دینی										۱/۰۰۰	۰/۷۶۹*	۰/۱۰۴*	-۰/۰۹۰	۰/۳۷۶*	-۰/۰۸۷*	
۷ ترس از آتش دوزخ									۱/۰۰۰	۰/۴۱۳*	۰/۸۶۵*	۰/۳۰۷*	-۰/۱۴۰*	۰/۰۹۰	-۰/۰۷۶	
۸ نفوذ دین در فرد								۱/۰۰۰	۰/۶۸۳*	۰/۷۰۰*	۰/۹۲۲*	۰/۰۴۷	-۰/۰۵۳	۰/۳۷۸*	-۰/۲۰۰*	
۹ شبکه دینی (خانواده/دوستان)								۱/۰۰۰	۰/۵۷۱*	۰/۳۹۲*	۰/۵۹۸*	۰/۱۰۴*	-۰/۰۸۲	۰/۳۲۱*	-۰/۰۷۸	
۱۰ شبکه دینی (همسایگان)						۱/۰۰۰	-۰/۲۶۱*	-۰/۳۳۵*	-۰/۰۹۳	-۰/۱۹۱*	-۰/۱۸۱*	۰/۱۳۷*	-۰/۰۶۰	-۰/۲۶۰*	۰/۰۲۵	
۱۱ بازدارنده های قانونی					۱/۰۰۰	۰/۰۷۰	۰/۱۵۸*	۰/۱۸۲*	۰/۱۸۶*	۰/۱۰۷*	۰/۱۷۱*	۰/۰۲۱	-۰/۰۸۲	۰/۱۴۸*	-۰/۲۳۲*	
۱۲ الزامهای اجتماعی				۱/۰۰۰	۰/۳۳۰*	-۰/۱۴۸*	۰/۳۲۲*	۰/۳۷۷*	۰/۲۱۴*	۰/۲۵۵*	۰/۳۲۲*	۰/۰۳۱	-۰/۰۵۲	-۰/۲۶۱*	-۰/۱۳۷*	
۱۳ همبستگی اجتماعی				۱/۰۰۰	۰/۲۰۷*	۹/۰۲۵	۰/۳۴۹*	۰/۱۲۰*	۰/۱۴۴*	-۰/۰۶۰	۰/۰۶۲	۰/۰۴۵	-۰/۰۸۵	۰/۳۰۳*	۰/۲۳۱*	۰/۰۲۶
۱۴ درصد خانواده با سرپرست زن		۱/۰۰۰	-۰/۲۰۱*	-۰/۰۶۰	-۰/۰۱۸	۰/۰۹۶	۰/۰۲۴	۰/۰۲۷	۰/۰۰۴	۰/۰۲۷	۰/۰۲۵	۰/۰۲۶	-۰/۰۲۶	-۰/۰۰۹	-۰/۰۵۳	
۱۵ درصد اجاره نشینی	۱/۰۰۰	۰/۴۲۸*	-۰/۲۴۰*	۰/۰۳۰	-۰/۰۰۳	۰/۱۳۱*	-۰/۰۱۱	۰/۰۱۰	۰/۰۳۴	-۰/۰۲۴	۰/۰۱۹	۰/۰۰۵	-۰/۱۱۰*	-۰/۰۷۰	-۰/۰۰۹	

* $p < /۰۵$

ع. ابعاد توصیفگر متغیرهای تحقیق

میانگین	انحراف استاندارد	
۳۶/۲۷	۱۰۳/۱۱	جرم
		ابعاد جمعیت شناختی:
۴۶/۳۱	۱۹/۱۸	جنس (مرد= ۱)
۰/۴۴	۰/۵۰	سن
۴۲۷۸۸/۵۵	۵۸۰۳۶/۷۳	درآمد خانواده
		دین:
۱/۹۲	۰/۵۴	محافظه کاری فرقه‌ای
۴۴/۲۳	۱۲/۹۴	دینداری عمومی
۱۰/۱۳	۴/۴۵	فعالتهای دینی
۲۰/۸۸	۶/۸۹	ترس از آتش دوزخ
۱۳/۳۷	۳/۹۵	نفوذ دین در فرد
۵/۵۴	۲/۷۶	شبکه‌های دینی (خانواده و دوستان)
۶/۱۰	۱/۷۷	شبکه‌های دینی (همسایگان)
		الزامهای غیر دینی:
۸/۸۸	۲/۱۷	بازدارنده‌های قانونی
۱۵/۱۸	۲/۵۳	الزامهای اجتماعی
		محیط اجتماعی:
۳۰/۹۰	۵/۴۱	همبستگی اجتماعی
۱۵/۷۱	۱۰/۱۹	درصد خانواده‌های با سرپرست زن
۵۳/۷۴	۱۷/۴۲	درصد واحدهای مسکونی اجاره نشین

1. Hirschi, Travis & Rodney Stark; *Hellfire and Delinquency*; Social Problems 17: 202-213; 1969; P. 210.
2. Barnes, Harry E. & Kegley K. Teeters; *New Horizons in Criminology*; Englewood Cliffs, N. J.: Prentice-Hall; 1951; Bonger, William A.; *Criminality and Economic Conditions*; Bloomington: Indiana University Press; 1916; Falk, Gerhard J.; *Religion, Personal Integration and Criminality*; Journal of education and Sociology; 35:159-161; 1961; Fitzpatrick, Joseph P.; *the Role of Religion in Programs for the Prevention and Correction of Crime and Delinquency*; The President's Commission on Law Enforcement and juvenile Justice; Task Force Report: Juvenile Delinquency and Youth Crime; Washington D.C.: Government Printing Office; 1967; Kvarceus, William C.; *Delinquent Behavior Church Attendance*; Sociology and Social Research; 28: 418-434; 1944; Lombroso, Cesare; *Crime, Its Causes and Remedies*; Boston: Little, Brown; 1911; Reckless, Walter & Mapheus Smith; *Juvenile Delinquency*; New York: McGraw-Hill; 1932; Tappan, Paul H.; *Juvenile Delinquency*; New York: McGraw-Hill; 1949.

۳- به عنوان اولین نمونه‌ها، تحقیقات زیر را ملاحظه کنید:

- Albrecht, Stan L. et.al.; *Religiosity and Deviance: Application of an Attitude-Behavior Contingent Consistency Model*; Journal for the Scientific Study of Religion; 16: 263-274; 1977; Higgins, Paul C. & Gray L. Albrecht; *Hellfire and Delinquency Revisited*; Social Forces 55: 952-958; 1977; Jenson, Gary F. & Maynard L. Erickson; *The Religious Factor and Delinquency: Another Look at the Hellfire Hypothesis*; In Robert Wuthnow (ed.); *The Religious Dimension: New Directions in Quantitative Research*; New York: Academic Press; 1979; Peek, Charles W. et.al.; *Religiosity and Delinquency over Time: Deviance Deterrence and Deviance Amplification*; Social Science Quarterly; 66: 120-131; 1985; Rohrbaugh, John & Richard Jessor; *Religiosity*

in Youth: A Personal Control Agent against Delinquent Behavior; Journal of Personality; 43: 135-155; 1975.

4. Grasmic, Harold G. et.al.; *"Render unto Caesar What Is Caesar": Religiosity and Taxpayer's Inclinations to Cheat*; The Sociological Quarterly 32; 1991b; P. 251.

5. Burkett, Steven R. & Bruce O. White; *Religiosity, Peer Associations, and Marijuana Use: A Panel Study of Underlying Causal Structures*; Criminology 25: 109-131; 1974.

۶- در این خصوص ر.ک:

Middelton, Russel & Snell Putney; *Religion, Normative Standards, and Behavior*; Sociometry 25: 141-152; 1962.

۷- به عنوان نمونه:

Albrecht et.al., 1977; Bock, E. Wilbur et.al.; *Moral Messages: The Relative Influence of Denomination on the Religiosity-Alcohol Relationship*; The Sociological Quarterly; 28: 89-103; 1987; Burkett, Steven R.; *Religion, Parental Influence, and Adolescent Alcohol and Marijuana Use*; Journal of Drug Issues; 7: 263-273; 1977; Elifson, Kirk W. et.al.; *Religiosity and Delinquency: A Contextual Analysis*; Criminology; 21: 505-527; 1983. Hadway, C. Kirk et.al.; *Religious involvement and Drug Use among Urbak Adolescents*; Journal for the Scientific Study of Religion; 23: 109-128; 1984; McLuckie, Benjamin et.al; *Religious Correlates of teenage Drug Use*; Journal of Drug Issues; 5: 129-139; 1975; Nelson, Hart M. & James F. Rooney; *Fire and Brimstone, Lager and Pot: Religious Involvement and Substance Use*; Sociological Analysis; 43: 247-256; 1982; Rohrbaugh & Jessor, 1975.

8. Middelton & Putney; 1962.

9. Cochran, John K.; *The Effect of Religiosity on Secular and Ascetic Deviance*; Sociological Focus 21: 293-306; 1988.

۱۰- به عنوان نمونه:

Bock, E. Wilbur et.al.; 1987; Cochran, John K. et.al.; *Religiosity and Alcohol Behavior: An Exploration of Reference Group Theory*; Sociological Forum 3: 256-276; 1988; Hadaway et.al., 1984; Nelson & Rooney, 1982.

11. Cochran, John K. & Ronald L. Akers; *Beyond Hellfire: An Exploration of the Variable*



Effects of Religiosity on Adolescent Marijuana and Alcohol Use; Journal of Research in Crime and Delinquency; 26: 198-225; 1989; Linden, Rick & Raymond Currie; *Religiosity and Drug Use: A Test of Social Control Theory*; Criminology; 23: 19-45; 1977; McIntosh, William Alex et.al.; *The Effect of Mainstream Religious Social Controls on Adolescent Drug Use in Rural Areas*; Review of Religious Research; 23: 54-75; 1981; Tittle, Charles R.; *Sanctions and Social Deviance; The Question of Deterrence*; New York: Praeger; 1980.

12. Stark, Rodney et.al.; *Rediscovering Moral Communities: Church Membership and Crime*; In Travis Hirschi and Michael Gottfredson (eds.); *Understanding Crime: Current theory and Research*; Beverly Hills, Calif.: Sage; 1980. & Stark, Rodney et.al.; *Religion and Delinquency: The Ecology of a "Lost" Relationship*; Journal of Research in Crime and Delinquency 19: 4-24; 1982.

۱۳- به عنوان نمونه: Higgins & Albrecht; 1977.

14. Stark, et.al; 1982; p. 7.
15. Tittle, Charles R. & Michael R. Welch; *Religiosity and Deviance: Toward a Contingency Theory of Constraining Effects*; Social Forces; 61: 653-682; 1983.
16. Stark, Rodney ; *Religion and Deviance: A New Look*; in James A. Day & William S. Laufer (eds.); *Values and Religion*; Norwood, N.J.: Ablex; 1987; p. 117.
17. Welch, Michael R. et.al.; *Religion and Deviance among Adult Catholics: A Test of the "Moral Communities" Hypothesis*; Journal of the Scientific Study of Religion 30: 159-172; 1991; p. 161.
18. Burkett, Steven R. & Bruce O. Warren; *Religiosity, Peer Associations, and Marijuana Use: A Panel Study of Underlying Causal Structures*; Criminology; 25: 109-131; 1987; Elifson et.al., 1983; Tittle & Welch; 1983.
19. Bock et.al. 1987.
20. Grasmic, et.al.; *"Render unto Caesar What Is Caesar"*; 1991b; P. 252.
21. Bainbridge, William Sims; *The Religious Ecology of Deviance*; American Sociological Review 54: 288-295; 1989; Pettersson, Thorleif; *Religion and Criminality: Structural Relationships between Church Involvement and Crime Rates in Contemporary Sweden*;



Journal for the Scientific Study of Religion 30: 279-291; 1991; Stack, Steven & Mary Jane Kanavy; *The Effect of Religion on Forcible Rape: A Structural Analysis*; Journal for the Scientific Study of Religion 22: 67-74; 1983; & Stark, Rodney et.al.; 1980.

22. Tittle, Charles R.; *Sanctions and Social Deviance*; 1980.

23. Grasmic, Harold G. et.al.; *"Render unto Caesar What Is Caesar"*; 1991b.

24. Bock, E. Wilbur et.al.; *Moral Messages*; 1987.

25. Albrecht, Stan L. et.al.; *Religiosity and Deviance*; p. 256.

26. Elifson et.al.; *Religiosity and Delinquency*; 1983.

۲۷- در این خصوص، تحقیق زیر را نیز ببینید:

Cochran, John k. et.al.; *Is the Religiosity-Delinquency Relationship Spurious? A Test of Arousal and Social Control Theories*; Journal of Research in Crime and Delinquency 31: 92-123; 1994.

28. Burkett & Warren; *Religiosity, Peer Associations, and Marijuana Use*; 1987.

۲۹- به عنوان نمونه، تایتل و ولج در تحقیق ۱۹۸۳ خود، وجود چنین نقاط ضعفی را در تحقیقات قبلی متذکر شده‌اند.

30. Bock et.al., 1987; Grasmic, Harold G. et.al.; *Denomination, Religiosity, and Compliance with the Law: A Study of Adults*; Journal for the Scientific Study of Religion 30: 99-107; 1991a; & Grasmic et.al.; *"Render unto Caesar What Is Caesar"*; 1991 b.

31. Stark, ; 1987; p. 117.

32. Cochran, John K.; *Another Look at Delinquency and Religiosity*; Sociological Spectrum 9: 147-162; 1989; Higgins & Albrecht, 1977; Rohrbaugh & Jessor, 1975; Tittle & Welch, 1983; Welch et.al.; 1991.

33. Davidson, James D. & Dean D. Knudsen; *A New Approach to Religious Commitment*; Sociological Focus 10: 151-173; 1977; Glock, Vharles Y.; *The Religious Revival in America?* In Jane Zahn (ed.); *Religion and the Face of America*; Berkeley: University of California Press; 1959; King, Morton B. & Richard H. Hunt; *Measuring Religious Dimensions: Studies of Congragational Involvement*; Dallas: Southern Methodist University; 1972; Stark, Rodney & Charles Y. Glock; *American Piety: The Nature of Religious Commitment*; Berkeley: University of California Press; 1968.



34. Elliot, Delbert S.; *The Prevalence and Incidence of Delinquent Behavior: 1976-1980*; Boulder, Colo.: Behavioral Research Institute; 1983.

۳۵- در این دسته تخلفات جزئی، افزون بر اینکه احتمال گزارش شدن بیشتر بود، احتمال ارتکاب آن نیز به دفعات بیشتری وجود داشت. در عین حال، یک رویکرد افزایشی ساده و ناظر به فراوانی موارد ارتکاب جرم نیز، نوعی مقیاس «جرم عمومی» را به دست می‌داد که در آن، جرائم جزئی، به ویژه جرائم بدون قربانی، نقش عامل غالب را می‌یافت و انگهی به همین دلیل، عدم استفاده از یک شیوه وزنی نیز ممکن بود به این ادعای غیر مستند منجر شود که قدرت دین در بازدارندگی از جرائم بیش از آن است که عملاً هست.

۳۶- پیش از وزن دادن به عاملها، تبدیلهای لگاریتمی نیز درباره آن دسته از فقرات جرم که دارای چولگیهای شدید و مثبت بود، اجرا شد. نتیجه این شیوه تقلیلی اساسی در چولگی و کشیدگی منحنی بود. بررسی باقیماندهها و همچنین طرحهای یک و چند متغیره نیز نشان داد که با توزیع یکسانتر واریانسها، پراکندگی فراوانیهای مربوط به متغیرهای جرم متعادلتر است؛ دو فرضی که مبنای کمترین حد عادی مربعات رگرسیون است. دیگر اثر مفید این تدبیر عبارت بود از بهبود وضعیت خطی رابطهها و تقلیل در کرانههای بیرونی، یعنی مواردی که هر یک می‌تواند تناسب الگو با دادهها را تخریب کند و برآورد متکی به این پارامترها را تحریف نماید.

۳۷- تجزیه و تحلیل عوامل، حاکی از آن است که تمامی پرسشهای مربوط به دینداری (که طیفی از نمرات ۰/۴۱ تا ۰/۸۴ را به خود اختصاص داده و میانگین آن ۰/۶۷ است)، به خوبی بر مقیاس عام دینداری متشکل از همه پرسشها بار شده است. مضافاً اینکه وجود نوعی راه حل سه عامله نیز، در کل، این سه بعد فرض شده مجزا را تأیید می‌کند. یکی از پرسشها در مقیاس ترس از آتش دوزخ - یعنی گزاره «پس از مرگ حیاتی در کار است» - به شکلی متعادل بر مقیاس آتش دوزخ و با سنگینی بیشتری بر مقیاس برجستگی نفوذ دین بر فرد بار شده است. با وجود این، چون گمان می‌رفت که پرسش مربوط به باور حیات پس از مرگ، نقشی ضروری در نافذ ساختن عامل ترس از آتش دوزخ داشته باشد، این پرسش به عنوان بخشی از مقیاس آتش دوزخ حفظ شد و در عین حال، حذف آن از مقیاس آتش دوزخ و افزوده شدن آن به مقیاس نفوذ دین در هیچ صورتی، تغییری اساسی در نتایج ایجاد نکرد.

38. Smith, Tom; *Classifying Protestant Denominations*; Review of Religious Research 31:225-245; 1990.

۳۹- برای ملاحظه دسته‌بندیهای مشابه، تحقیقات زیر را ببینید: Elifson et.al., 1983 و Grasmic et.al., 1991a

۴۰- در این خصوص، ر.ک. تحقیقات زیر: Aibrecht et.al., 1977; Cochran et.al., 1994; Elifson et.al., 1983.

41. Eve, Raymond A.; *A Study of Efficacy of Interactions of Several Theories od Explaining Rebelliousness among High School Students*; Journal of Criminal Law and Criminology 49: 115-125; 1978; LaGrange, Randy L. & Helen Raskin White; *Age*

Difference in Delinquency: A Test of Theory; Criminology 23: 19-45; 1985;
Rosenbaum, Jill Leslie: *Social Control, Gender, and Delinquency: An Analysis of Drug, Property, and Violent Offenders*; Justice Quarterly 4: 117-132; 1978; Simons, Ronald L. et.al.; *Contemporary Theories of Deviance and Female Delinquency: An Empirical Test*; Journal of Research in Crime and Delinquency 17: 42-53; 1980.

۴۲- باید اعتراف کرد که در خصوص بزرگسالان، می‌توان عواملی مانند «توقع عدم تأیید اجتماعی دوستان» و «تعلق خاطر شدید به والدین» را نوعی تقویت کننده انواع کنترل غیر مستقیم دانست (Rankin, Josph H. & Edward L. Wells); *The Effect of Parental Attachments and direct Controls on Delinquency*; Journal of Research in Crime and Delinquency 27: 140-165; 1990. اما این امر، لزوماً بدان معنا نیست که این نزدیکان در عمل نیز رفتارهای عنان گسیخته را مجازات خواهند کرد. با وجود این، پرسشهای مربوط به این بُعد، از انسجامی در حد یک مقیاس برخوردار بوده (پایایی = ۰/۸۲) و اثرات معناداری را نیز در تمامی الگوهای چند متغیره نشان داده است. همچنین باید تصدیق کرد که شاخصهای مربوط به «قید و بندهای اجتماعی بزرگسالان» - مانند تعلق خاطر به همسر و شغل - نیز این تحلیل را تقویت خواهد کرد (در این خصوص، تحقیقات زیر را ببینید: Sampson, Robert J. & John H. Laub; *Crime in the Making: Pathways and Turning Points Through Life*; Cambridge, Mass.: Harvard University Press; 1993). اما داده‌های این تحقیق، سنجه‌های مناسبی را برای اندازه گیری این فیدوبندها دربرداشته است، لذا پیشنهاد می‌شود تحقیقات آتی این زمینه، در پی یافتن سنجه‌های مناسبتری برای فیدوبندهای بزرگسالان باشند.

43. Skogan, Wesley G.; *Disorder and Decline: Crime and the Spiral of Decay in American Neighborhoods*; Berkeley: University of California Press; 1990.

۴۴- برای ملاحظه یک استثنای درخور توجه، تحقیق زیر را ببینید: Welch et.al., 1991.

45. Sampson, Robert J.; *Neighborhood and Crime: The Structural Determinants of Personal Victimization*; Journal of Research in Crime and Delinquency 22: 7-40; 1985 & *Neighborhood Family Structure and the Risk of Personal Victimization*; in James M. Byrne & Robert J. Sampson (eds.); *The Social Ecology of Crime*; New York: Springer-Verlag; 1986.

46. Sampson, 1986; p.278.

47. Shaw, Clifford & Henry D. McKay; *Social Factors in Juvenile Delinquency: Report on the Causes of Crime*; National Commission of Law Observance and Enforcement; Vol. 2; Washington D. C.: Government Printing Office; 1931.



48. Taylor, Ralph B. & Jeanette Covington; *Neighborhood Changes in Ecology and Violence*; Criminology 26: 553-589; 1988; p.561.

۴۹- آزمونهای تشخیص چند خطی بودن منحنی به عنوان بخشی از بازده رگرسیون SPSS و درازای همه مدلهای موجود در این تحلیل، ضروری به حساب آمده و نشان دهنده آن است که روابط متقابل و درونی میان متغیرهای پیش بین، تأثیری بیش از اندازه بر نتایج نداشته است.

۵۰- شایان ذکر آنکه، به دلیل پایین تر بودن میزان پاسخهای پاسخ دهندگان غیر سفید پوست، این تحقیق تحلیل خود را صرفاً به سفید پوستان منحصر ساخته، و تصور آن است که به دلیل قلت تعداد پاسخ دهندگان غیر سفید پوست، و به ویژه نسبت به تعداد پیش بین ها در الگوهای تفصیلی، هر گونه برآورد در باره آنان، می تواند فاقد پایایی باشد؛ وانگهی، نسبت پایین پاسخهای این گروه، این تردید را ایجاد کرده که ممکن است وارد کردن پاسخهای آنان در این تحلیل یا هرگونه استنباط در خصوص جمعیت غیر سفید پوست کار درستی نباشد.

۵۱- چنانکه بعداً در نتایج آشکار خواهد شد، «بهترین» پیش بین دین - یا در واقع، تنها پیش بین معنادار در میان سنجه های دین - فعالیت های دینی است، اما به دلیل وجود همبستگیهای شدید میان سنجه های دینداری، و همچنین وجود این احتمال ناشی از آن که چند خطی بودن منحنی ممکن است برآوردها را منحرف کند، امکان نداشت که بتوان همه معیارهای اندازه گیری دینداری را برای تعیین بهترین پیش بین، در یک معادله واحد قرار داد.

۵۲- برای تقلیل امکان چند خطی بودن منحنی و مشکلات محاسبه ای مشابه، متغیرهای موجود در الگوهای اثر گذاری متقابل، از نوع متغیرهای «متمرکز» بوده است. (ر.ک. *Multiple Regression: Testing and Interpreting Interactions*; Newbury Park, Calif.: Sage ;1991)

۵۳- البته یافته های این تحقیق، مجال ارزیابی روابط غیر خطی، تأثیرات متقابل یا اثرات ممکن در طول زمان را فراهم نمی سازد و به عبارت دیگر، احتمال آن هست که درگیر شدن در جرم نیز بر دینداری تأثیر داشته باشد. در هر حال، این وظیفه پژوهشهای آتی است که این احتمال را بررسی کنند.

۵۴- در این خصوص، ر.ک: bock et.al., 1987.

55. White, Richard H.; *Toward a Theory of Religious Influence*; Pacific Sociological Review 11: 23-28; 1968; P.27-8.

56. Grasmic, Harold G. et.al.; *"Render unto Caesar What Is Caesar"*; 1991b.

۵۷- مشخصه عمده این نوع ارتباط دین و جرم، که پیش از این نیز بدان اشاره شد، آن است که «مؤمنان» در معرض پیامهایی تحریمی ای که آنان را به خودداری از کنشهای ناقض زهد ترغیب می کند، قرار دارند. البته در اینجا، باید به وجود «سنت زاهدانه» در تحقیقات پیشین - و مشکلات مفهومی و تجربی (روایی) ذریبط در تعریف آن - اذعان کرد. با وجود این، یافته های این تحقیق در خصوص جرم عمومی، حاکی از اثرگذاری بسیار گسترده دین است. در داده های این تحقیق، پرسشهایی که محققان گذشته آن را ناقض زهد دینی شمرده اند (عمدتاً مواردی از قبیل افراط در مصرف الکل و مواد

مخدر)، فاقد انسجامی تلقی شده است که در یک تحلیل عوامل شامل همه پرسشها، یک مقیاس باید آن را دارا باشد. با این همه، با به کار بردن یک مقیاس ۷ پرسشی مربوط به زهد - که با تحقیقات پیشین نیز قابل مقایسه است - و همچنین انتقال ۳۶ پرسش باقیمانده به یک مقیاس «غیردینی»، به برآورد الگوهای مجزا در باب جرائم ناقض زهد و غیردینی پرداخته شد و در این الگوها نیز، همانند یافته‌های ذکر شده در باب جرم عمومی، فعالیت‌های دینی نقشی بازدارنده را نسبت به هر دو نوع رفتار مجرمانه غیردینی و ناقض زهد نشان داد. این امر، مؤید آن است که بازدارندگی دین از جرم عمومی، چنانکه در این تحقیق نیز آشکار شده است، صرفاً ناشی از قرار داشتن این پرسشها در مقیاس جرم عمومی نیست، بلکه با جدا شدن پرسشهای مزبور از مقیاس مورد بحث نیز همچنان اثرات آماری معناداری قابل مشاهده است.

۵۸- در این خصوص، ر.ک. Burkett & Warren, 1987; Free, Marvin D. Jr; *Religiosity, Religious Conservatism, Bonds to School, and Juvenile Delinquency among Three Categories Drug Users*; Deviant Behavior 15: 151-170; 1994.

۵۹- به عنوان نمونه تحقیقات زیر را ملاحظه کنید: Bock et.al., 1987; Clarke, Leslie et.al.; *Religiosity, Social Class, and Alcohol Use: An Application of Reference Group Theory*; Sociological Perspectives 33:201-218; 1990; Cochran et.al., 1988; Grasmic et.al., 1991a.

۶۰- به عنوان نمونه تحقیقات زیر را ملاحظه کنید: Cochran et.al., 1994; Free, 1994.

۶۱- تمامی پایلی‌های گزارش شده در خصوص مقیاسهای فوق، با روش تصنیف و با استفاده از پرسشهای وزنی عاملی محاسبه شده است.

